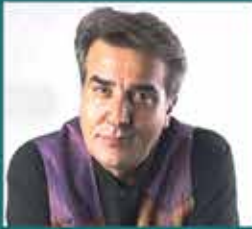


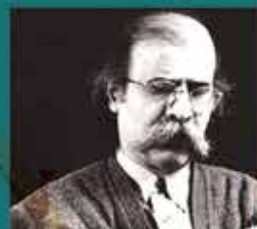
فصلنامه

# خانه موسیقی ایران

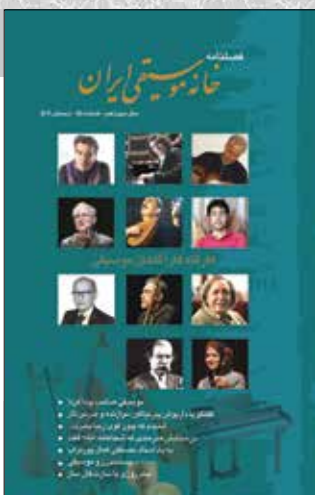
سال سیزدهم - شماره ۵۱ - زمستان ۱۴۰۲



## کارگاه کار آگاهان موسیقی



- موسیقی صاحب پیدا کرد!
- گفتگو با داریوش پیرنیاکان، نوازنده و مدرس تار
- شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد...
- در ستایش هنرمندی که شجاعانه «نه» گفت
- به یاد استاد مصطفی کمال پورتراب
- پست مدرن و موسیقی
- چند روزی با سازندگان ساز



## فهرست

- موسیقی صاحب پیدا کرد! / ۲  
کارگاه کارآگاهان موسیقی / ۳  
گفتگو با داریوش پیرنیاکان، نوازنده و مدرس تار عضو هیئت علمی دانشگاه تهران / ۱۰  
شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد... / ۱۲  
در ستایش هنرمندی که شجاعانه «نه» گفت... / ۱۴  
عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهارت‌های ارتباطی اعضای خانه موسیقی ایران / ۱۷  
درباره کتاب «لطف مفتخم» / ۲۰  
به یاد استاد مصطفی کمال پورتراب / ۲۲  
آنکس که نداند و بداند که نداند! / ۲۳  
پست‌مدرن و موسیقی / ۲۴  
ردیف سنتور استاد ابوالحسن صبا / ۲۵  
اثر ذوق موسی معروفی / ۲۶  
چند روزی با سازندگان ساز / ۲۷  
ویولن / ۲۸  
جای خالی دوستان... / ۳۰

### فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۵۱ - پاییز ۱۴۰۲

سرمدبیر: حمیدرضا عاطفی

دبیر تحریریه: غزل نهانی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندریپور

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نیش بوعلی‌سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranhmusic.ir

\* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مابین موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



\* حمیدرضا عاطفی

## موسیقی صاحب پیدا کرد!

قطعا چنین نیست و اگر سیاست درستی در این زمینه چه از ناحیه ی سیاستگذاران کلان فرهنگی و چه از سوی رسانه‌های متنوع و در راس آنها صدا و سیما اتخاذ می‌شد امروز شاهد این وضعیت اسف بار نمی‌بودیم.

بگذریم و باز هم به سان سالهای سال گله مندی، ازین گله‌ها هم می‌گذریم و البته جا دارد که یک خبر نسبتاً خوش هم بدهیم که بالاخره بعد از سالیان سال سند موسیقی کشور تصویب شد.

تصویب این سند جای بسی خرسندی است ... اولین خاصیت و مزیت تصویب این سند به رسمیت شناختن موسیقی از سوی نظامی است که چهل و اندی سال با این هنر کجدار و مریز رفتار کرده است ولی عاقبت با تصویب این سند مشخص شد که موسیقی به رسمیت شناخته شده لذا پس از این هیچ نهاد و ارگانی نمی‌تواند با این موسیقی چون بچه ی سرراهی رفتار کند چرا که شناسنامه و سند آن موجود است و متولیان دارد که یکی از آنها خانه موسیقی است.

هرچند که محتوا و مضمون این سند کاملاً مطلوب و ایده‌آل اهالی موسیقی نیست اما به مصداق مثل کاچی به از هیچی باید تصویب آن را به فال نیک گرفت.

و اما در فصل پاییز دومین دوره ی کارگاههای خانه موسیقی با موفقیت و استقبال گرم مخاطبان برگزار شد. در این دوره استادانی چون داریوش پیرنیاکان، اکبر شکارچی، حمیدرضا نوربخش، وارطان ساهاکیان، مرتضی اعیان، مسعود شعاری، سامان احتشامی، رفیع محمودی و ستاره بهشتی کارگاه برگزار کردند.

امیدواریم که سومین دوره ی مستر کلاسها در بهمن ماه سال جاری نیز برگزار شود و خانه بتواند در این زمینه تاثیرات خوبی در زمینه آموزش برجای بگذارد.

یکی دیگر از اتفاقات نیکو در این فضا گردهمایی و هم اندیشی سازگران و اعضای کانون سازندگان ساز بود که به منظور بحث و بررسی برای برگزاری چهارمین دوره نمایشگاه سازخانه برگزار شد.

این نمایشگاه قرار است از ۲۵ تا ۲۹ دی ماه در خانه هنرمندان برگزار شود. اجرای مراسم یادبود برای استاد شجریان و دکتر لیلی افشار در خانه هنرمندان از دیگر برنامه‌های خوب و پر استقبالی بود که گزارش آنها را در همین شماره فصلنامه خواهید دید.

\* سردبیر

نمی‌دانم سرعت روزگار برای همه بیشتر شده یا برای من یا برای ما ایرانیان یا برای مردم خاورمیانه و یا ساکنان قاره ی آسیا و آفریقا ووو.

به هرصورت ماهها و فصلها و سالها به سرعت برق و باد می‌آیند و می‌روند و این عمر ماست که در حال به سر رسیدن است. به قول شاعر بیداردل یالله عاطفی: ایام شباب و شادی و کام گذشت / شبهای نشاط و مستی و جام گذشت / افسانه ی زندگی ندانم چون شد / تا چشم به هم زدیم ایام گذشت...

و چه خوشبخت آدمیانی که در این فرصت کوتاه از خود آثاری ماندگار و نامی نیک برجای می‌گذارند و چه بهتر از نیکنمایی و نیک سرانجامی که گوهر مقصود همه در این نکته خلاصه شده است.

در ایامی که جهان به هرج و مرجی روزافزون گرفتار شده و در عین حال دو جنگ نابرابر و نامتوازن جاری است و مردمان بی دفاع ظالمانه به خاک و خون کشیده می‌شوند بیش از همه هنرمندان متاثر از این اوضاع شده و دست و دلشان به آفرینش هنری نمی‌رود.

اما شگفتا که این بی انگیزی به صورت مساوی و برابر بین هنرمندان تقسیم نشده و نمی‌شود.

بسیار پیچیدگی هاست در این ماجرا که چرا مثلا در حوزه ی موسیقی یک بخش چنان فعال و پرانگیزه برای کار و فعالیت و درآمدزایی است و یک بخش دیگر چرا اینقدر منفعل و بی انگیزه و منزوی!

شاید جامعه شناسان و تحلیلگران فرهنگ و هنر بتوانند پژوهشی وثیق در این باره داشته باشند و واکاوی کنند که این وضعیت تا چه حد به فرم و محتوای هنر مورد نظر بستگی دارد و تا چه حد به هنرهای بین رشته ای و تربیت شخصیت هنری افراد. به هر روی ما الان شاهد یک وضعیت آشفته و غیرمتقارن در حوزه فعالیت اهالی موسیقی هستیم در جایی که تالارها و سالن‌های برج میلاد، میلاد نمایشگاه و هتل اسپیناس تا پایان سال رزرو پاپیون شده و حتی یک شب هم خالی ندارند، هیچگونه فعالیتی از سوی فعالان موسیقی سنتی، کلاسیک و نواحی به چشم نمی‌خورد.

آیا نباید متولیان امر برای این عدم تقارن و ناهنجاری فرهنگی اندیشه ای کنند و طرحی بیفکنند؟ شاید علایق و استقبال مردم به آن نوع خاص موسیقی از جمله توجهات مسئولین فرهنگی باشد اما آیا همه ی مسائل و مشکلات این ناهمگونی فرهنگی به این علت است؟!

نگاهی به دومین دوره کارگاه‌های تخصصی در خانه موسیقی

## کارگاه کار آگاهان موسیقی

ستاره بهشتی، مسعود شعاری، رفیع محمودی، وارطان ساهاکیان، سامان احتشامی، مرتضی اعیان و علی اکبر شکارچی  
در ادامه گزارش‌هایی از هر دوره ارائه می‌شود تا شما خواننده این مطلب به صورت کامل در جریان جزئیات این دوره‌ها قرار گیرید.

اشاره:  
دومین دوره کارگاه‌های آموزشی خانه موسیقی ایران از ۲۹ آبان ماه شروع شد و تا ۳۰ دی ماه ادامه داشت.  
در دومین دوره این رویداد آموزشی خانه موسیقی میزبان ۹ نفر از اساتید شناخته شده حوزه موسیقی بود.  
افراد هم‌چون داریوش پیرنیاکان، حمیدرضا نوربخش،



خلق بداهه در آنها خواهد شد.  
داریوش پیرنیاکان در بخشی از کلاس در مورد آموزش ردیف به هنرجویان گفت: «این طور نیست که هنرجو یک ضبط صوت باشد و فقط ردیف را حفظ کند و بنوازد، بلکه پردازش تحلیلی ردیف در ذهن اوست که اولویت دارد و باید بتواند از این کلمات که همان نغمات باشد یک سخنرانی بسازد. متر و معیار و میزان سنجش کیفیت این سخنرانی باز هم در دل ردیف است.»

ادامه بخش مباحث این کارگاه مقدماتی در مورد بداهه پردازی و خلاقیت با تکیه بر ردیف و گزیده‌ای از مباحث تاریخی پیرامون این موضوع بود و سپس به جزئیاتی از قبیل نحوه مضراب‌گیری و صحیح نوازی و اشکالات مصطلح در بین عموم هنرجویان پرداخته شد.

در نیمه پایانی کلاس هنرجویان به صورت عملی با ادای درست برخی تکنیک‌ها آشنا شده و ابهامات خود را به صورت پرسش و پاسخ دنبال کردند؛ همچنین ایرادهای انگشت گذاری، نحوه تمرین درست روزانه، انواع اجرای تحریر با تار و نیز نکاتی

### ردیف نوازی آشنایی با ادبیات موسیقی است..

نخستین کارگاه از دومین دوره کارگاه‌های تخصصی خانه موسیقی با حضور «داریوش پیرنیاکان» نوازنده و آهنگساز شناخته شده ۲۹ ام آبان و یکم آذر طی دو جلسه با عنوان «بررسی مکتب‌ها و شیوه‌های تارنوازی» در محل خانه موسیقی برگزار شد.

### هنرجو باید ردیف را پردازش کند

داریوش پیرنیاکان با مقدمه ای پیرامون تشنت آرا در روش‌های آموزش در ایران که موجب سردرگمی و پریشانی هنرجویان در ادامه راه هنری خود می‌شود، مباحث خود را آغاز نمود. او سپس به مبحث اهمیت ردیف در حیات هنری هنرمند پرداخت و تاکید کرد ردیف ادبیات و شاکله موسیقی ماست و در ضرورت وجودی آن هیچ شک و شبهه‌ای باقی نیست.

داریوش پیرنیاکان به هنرجویان جوان تاکید کرد که ردیف را به مانند اتودی بسیار قوی و کامل در نظر گرفته و حتی پس از فراگیری و حفظ آن همواره به عنوان تمرین روزانه اجرای ردیف را سرلوحه قرار دهند چرا که این کار به خودی خود باعث پیشرفت



## از سازهای امروزی صدای خوشی به گوش نمی‌رسد

کارگاه ساخت سه تار با هدایت رفیع محمودی سازنده برجسته ساز سه تار ششم آذرماه در خانه موسیقی برگزار شد. این کارگاه به صورت آنلاین و حضوری پذیرای هنرجویان و هنرمندان سازساز بود و به نکات پیشرفته این حوزه پرداخت.

رفیع محمودی این کارگاه را ادامه کارگاه پیشین خانه موسیقی عنوان کرد و از ابتدای جلسه به مراحل پیشرفته این فن اشاره و اعلام کرد هنرجویان در این جلسه به صورت عملی با مرحله مرحله ساخت ساز و فرایند عالی آن آشنا خواهند شد.

محمودی کسب تجربه‌های متعدد در سازسازی را کلید ایجاد مهارت بالا و پیدا کردن سبک شخصی در ساخت ساز دانست و مباحث خود را از جنس چوب برای سازهای پیشرفته آغاز کرد. او راه موفقیت در سه تار سازی پیشرفته را علاوه بر یافتن ریزجزییات هنری ساخت ساز و نه صرفاً صنعتی، در خوش سلیقگی، خلاقیت و نیز ارتباط تنگاتنگ با هنرمند و اشتراک فکری با او دانست. او همچنین بر این نکته تاکید کرد به دلیل بی توجهی سازندگان ساز به جزئیات این روزها از کمتر سازی صدای خوب و گوش نواز شنیده می‌شود.

مبحث بعدی کارگاه توضیح خطاهای محاسباتی رایج در سه تار سازی و آسیب‌های مربوط به آن بوده که با مثال‌های عملی در این باره به روشن شدن این اشتباهات پرداخته شد. بخش عمده‌ای از کارگاه به مسئله رگلاژ ساز و ظرایف آن و نیز بالانس صفحه به صورت عملی گذشت. محمودی در عموم نکات مطرحه به یافتن ذات صدا و دوری از هرگونه ادیت و بازسازی در کشف صدای ساز تاکید داشته و با مثال‌هایی این مهارت را آموزش داد.

پیرامون بهره‌گیری اصولی و مفید از ردیف از جمله مهم‌ترین مباحث این بخش بود.

## مکاتب تارنوازی به داستان نسل جدید تداوم می‌یابد

در دومین جلسه از این کارگاه، داریوش پیرنیاکان مطالب خود را با تعریف مفاهیم اولیه در حوزه مکاتب، شیوه‌ها و مبانی اولیه شناختی این حوزه و نیز تاریخ نگاری و ریشه‌شناسی این موضوعات در هنر غرب و شرق آغاز کرد.

او شیوه و سبک را یکسان دانسته و مکتب را اعم از شیوه برشمرد و سپس به دسته بندی ویژگی‌های متمایز مکاتب تارنوازی پرداخت. او مکاتب میرزا حسینقلی، علینقی وزیری و علی اکبرخان شهنازی را مکاتب‌های تارنوازی موسیقی ایران نامید و مباحث تبیینی پیرامون این نظریه ارایه داد.

پیرنیاکان به نکات مورد تاکید علی اکبرخان شهنازی در کلاس‌هایش اشاره کرده و نگاه او به آهنگسازی، سونوریتته ساز و بهره‌گیری صحیح و زیبایی شناسانه از تمامی امکانات صدادهی تار را ویژگی برجسته و منحصر به فرد مکتب شهنازی دانست.

در ادامه کلاس هنرجویان به صورت عملی با شنیدن نمونه‌های صوتی پیرامون شیوه‌های تارنوازی با ویژگی‌های متمایز هر یک از مکاتب آشنا شده و پرسش‌های خود را درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های شیوه هنرمندان شهپیری همچون فرهنگ شریف، هوشنگ ظریف، حسین علیزاده، جلیل شهناز و ... مطرح کردند. داریوش پیرنیاکان با تاکید به کمرنگ شدن مکاتب میرزا حسینقلی و وزیری طی پنجاه سال اخیر، عموم نوازندگان شاخص



در نیمه دوم کارگاه هنرجویان سازهای ساخته شده را در معرض بررسی استاد قرار دادند و سازها از منظر زیبایی شناختی، فنی، طنین و اکشن و... مورد ارزیابی قرار گرفتند. رفیع محمودی استفاده از مترپال درجه یک، ابزارهای نوین و نیز تقویت نوازندگی و گوش سازساز را به عنوان اولویت اصلی در ارتقا این سازها اظهار

و مطرح سالهای مذکور را پیرو مکتب شهنازی اما با شیوه‌های منحصر به فرد دانسته و افزود: موسیقی ما زمانی پیشرفت می‌کند که همه این مکاتب نواخته شود؛ خصوصاً مکتب شهنازی که بسیار نوآور و پیشرو در زمان خود بوده و با خلاقیت و نوآوری جوانان هماهنگی بسیار زیادی دارد.



موسیقی کلاسیک و ابهامات پیرامون آن پرداخت و به راحت‌ترین روش برای آموزش به هنرجویان اشاره کرد. بخش عمده‌ای از کلاس به مباحثه در مورد سبک ایرانی در پیانو و مهارت‌های مربوط به آن گذشت. احتشامی تمرین بسیار و شنیدن قطعات ایرانی را کلید موفقیت در این راه دانست و به هنرجویان تاکید کرد به موسیقی ایرانی بیشتر گوش بدهند و آشنایی اولیه با دستگاه‌های موسیقی ایرانی داشته باشند.

حاضران در پایان هر دو جلسه به پرسش و پاسخ در زمینه‌های مختلف پرداختند. سؤالاتی مربوط به نحوه پدال گیری و آموزش آن به هنرجویان، آموزش تریل، استرس در اجرا و پیشگیری از آن، آموزش کار با مترونوم و چگونگی فراگیری مهارت آکورد‌های مختلف از جمله پرسش‌های این جلسات بود.

### برای خواننده فراگیری ردیف شرط لازم اما کافی نیست

کارگاه تخصصی آواز با حضور حمیدرضا نوربخش طی دو جلسه در خانه موسیقی ایران تشکیل شد. این کارگاه که به مهارت آواز ایرانی اختصاص داشت به صورت حضوری و آنلاین پذیرای هنرجویان بود.

حمیدرضا نوربخش جلسه اول کارگاه را با مبانی اولیه و تعریف صحیح اصطلاحات در حوزه آواز ایرانی آغاز کرد و به مختصات این ژانر موسیقایی پرداخت. او دارا بودن ویژگی‌های ژنتیکی، استعداد ذاتی، گوش قدرتمند و مهارت بالا در فراگیری را مهم‌ترین شاخصه‌های هنرجوی آواز دانست. نوربخش تاکید کرد که بعد از داشتن ویژگی‌های مذکور، دانش یک خواننده که او را به موفقیت می‌رساند و این دانش طی سالها ممارست به دست می‌آید. او متمایز بودن یک خواننده از دیگران را به اشراف او نسبت به تمام فرعیات علم آواز و گستردگی جمله پردازی او نسبت داد.

حمیدرضا نوربخش فراگیری ردیف را پایه و مبنای هنر آواز دانست، اما آن را کافی نشمرد و تسلط خواننده به جمله بندی‌های گوناگون آوازی را به مانند آموختن زبان و واژگان آن برای ادای بهترین نوع آواز ضروری دانست.

کرد. او سپس به صورت عملی به تقویت سازهای هنرجویان و رفع ایرادات جزئی و ارائه راهکار برای عدم تکرار خطاهای مصطلح پرداخت. پایان بخش کلاس به مباحث تخصصی پیرامون یافتن بهترین مترپال و ابزار در بازار و مشکلات و موانع بر سر راه سازسازی و بازاریابی آن گذشت.

### پیشرفت در موسیقی ذاتی است

کارگاه تخصصی پیانو با عنوان «گفتنی‌های یک مدرس پیانو» با هدایت سامان احتشامی در دو جلسه در خانه موسیقی ایران برگزار شد. در این کارگاه هنرجویان به صورت حضوری و آنلاین شرکت کرده و از تجارب تدریس سامان احتشامی بهره بردند.

سامان احتشامی اعلام کرد در این کارگاه قرار است به حاضران نشان دهد که چگونه تدریس به هنرجو را آغاز کنند و ادامه بدهند. این کارگاه با مباحث تئوری اولیه درباره ادوار تاریخی پیانونوازی شروع و سپس با زبان آسان به آموزش ابتدایی ریتم به هنرجویان پرداخته شد. تئاسیون به زبان ساده و نیز آموزش مفهوم وزن و میزان‌های ساده ادامه بخش مباحث کلاس بود.

احتشامی از آسیب‌های آموزش خشک و دلزدگی هنرجویان خاصه نوجوان صحبت کرد و تاکید کرد بهتر است کودکان بعد از ده سالگی برای آموزش موسیقی مراجعه کنند تا راحت تر با مفاهیم ریاضی موسیقی ارتباط برقرار کنند. او سپس نکاتی در مورد پوزیشن صحیح نوازندگی عنوان کرد.

در دومین جلسه از این کارگاه تمرین‌های عملی برای آموزش هنرجویان اعم از تمرین‌های یک دستی و دو دستی و چگونگی آموزش گام‌ها از جمله مباحث مطرح شده بود. همچنین در مورد ویژگی کتاب‌های مختلف آموزشی سؤالاتی پرسیده شد و سامان احتشامی به تفصیل توضیح داد. احتشامی با همراهی جمعی حضار به اجرای برخی قطعات کلاسیک و نیز چگونگی تدریس کتاب «پیر» پرداخت. احتشامی عدم پیوستگی در متدهای آموزشی دیگر را موجب سردرگمی هنرجویان دانسته و نیز نکاتی را در خصوص تمایز آموزش به کودکان و بزرگسالان عنوان کرد.

احتشامی سپس به صورت مفصل به آموزش ساده گام‌های



شدن آن را بازگو کرد.

هنرجویان در این کلاس پرسش‌هایی را در مورد مباحثی مانند: نحوه گرم کردن صدا، تمرین‌های عملی و هدفمندانه، انعطاف صدا، ادای درست کلمات، تکنیک‌های صداسازی، تنفس صحیح و شیوه‌های گوناگون آوازی مطرح کرده و پاسخ خود را از زبان حمیدرضا نوربخش شنیدند.

### پرورش اندیشه بر پرورش تکنیک مقدم است

کارگاه تخصصی کمانچه با عنوان «کمانچه و ظرفیت‌های ردیف موسیقی ایرانی» با هدایت علی اکبر شکارچی طی دو جلسه در تاریخ ۱۴ و ۱۵ آذرماه در خانه موسیقی برگزار شد. این کارگاه به صورت حضوری و آنلاین پذیرای هنرجویان از تهران و سایر شهرهای کشور بود.

شکارچی کارگاه خود را با مباحث کاملاً مقدماتی پیرامون نحوه دست گرفتن ساز کمانچه، قدرت و تقسیمات آرشه و نحوه اجرای تحریر و انواع تکیه با آرشه‌های مختلف توامان با مثال‌هایی آغاز کرد.

او سپس به مباحث مربوط به اجرای ردیف پرداخت و به نحوه

وی در بحث مدیریت صدا، ذوق زیبایی شناختی و نیز نظارت درونی خواننده را پر اهمیت خواند و سپس درباره تولید آواز و مقدمات و اصول آن توضیحاتی ارائه داد. او آشنایی کامل هنرجویان با شیوه‌های مختلف آوازی و جمله پردازی‌های سازی و آوازی را برای تمایز در ارائه آواز و بداهه خوانی بسیار مهم دانست. این مدرس آواز در ادامه کلاس به مباحثی همچون: تحلیل ذهنی ردیف، فلسفه مرکب خوانی و انواع مدولاسیون، ضرورت تحلیل ردیف و دریافت قرابت گوشه‌ها، مختصات حنجره و پرورش صوت و نیز آسیب‌های آموزش و مقدمات صدا سازی و تحریر پرداخت.

در دومین جلسه این کارگاه نوربخش پس از ارائه توضیحات تکنیکی و گفته‌هایی پیرامون متد آموزشی بر اساس ارزیابی اولیه از هنرجو به صورت عملی به مبحث آموزش پرداخت. او ابتدا در مورد ابهامات اصطلاح صداسازی توضیحات مفصلي ارائه داد و سپس در مورد استفاده کامل از محدوده صوتی و شفافیت تحریر در همه فواصل پرداخت. او سپس تمرین‌هایی را به صورت نمونه به هنرجویان حاضر ارائه داد و از آنها خواست حجم، کشش و کنترل صدا را در دست بگیرند و نیز مکانیسم ادای تحریر و روان





طی دو جلسه در خانه موسیقی برگزار شد. این کارگاه به صورت حضوری و مجازی پذیرای هنرجویان بود.

وارطان ساهاکیان در ابتدای اولین جلسه از این کارگاه اعلام کرد که این کارگاه را جهت رفع اشکال هنرمندان و هنرجویان در بحث‌های تئوریک و ابهام‌ها و اشتباه‌های رایج در این زمینه برگزار کرده است. ساهاکیان رویه تعاملی در این کارگاه برقرار کرده و به تمامی پرسش‌های حاضران پاسخ داد.

او تئوری موسیقی را با مباحثی از قبیل مبانی و تعاریف فواصل، گام‌ها و آکوردها آغاز کرده و تاکید کرد نت خوانی صرف را نمی‌توان تئوری موسیقی دانست. او سپس به طور مفصل به توضیح اصول اولیه شناخت فواصل و زیرمجموعه‌های آن پرداخت و در حوزه مباحث پایه ای تئوری موسیقی طرح بحث کرد و به رفع

جمله‌بندی‌ها، نوانس‌ها و تاکیدهای شعری در اجرای گوشه‌ها و همچنین به تعریف مبانی اصلی مربوط به مفهوم گوشه، دستگاه و ردیف پرداخت.

آموزش تکنیک‌های تریل، ترمولو و دراب و نیز پاساژهای ردیف ۲ تایی و ۳ تایی از جمله مباحث ادامه بخش کارگاه بود. شکارچی سپس در مورد ریتم‌های معین و آزاد در موسیقی ردیف دستگاهی و ویژگی‌های آنها توضیحات خود را ارائه داد. از جمله مباحث مورد استقبال هنرجویان مبحث مقایسه تطبیقی یا انطباق شعر نو با ردیف سازی میرزا عبدالله بود که با ذکر چند مثال به روشن شدن این موضوع پرداخته شد.

مبحث تفصیلی بعدی مربوط به دانگ‌ها و ترکیب آنها برای به وجود آمدن ساختار گوشه‌های ردیف و موسیقی نواحی بود که



اشکال هنرجویان پرداخت.

سهاکیان مقدماتی از کنترپوان، ساختار گام نسبی، مفهوم کادانس و کاربردها و انواع آن، ساختار تریوله و کوارتوله و نیم‌پرده‌های کروماتیک و دیاتونیک ارائه داد.

بحث بررسی در مورد موسیقی مدال و نقش درجات در انواع آن، ویژگی‌های گام‌ها و آکوردهای بلوز و جز و نیز تقویت حس بداهه از دیگر بخش‌های این کارگاه بود.

سهاکیان سپس به طور مفصل در مورد مدولاسیون و اهمیت و کاربردهای آن و نیز روش‌ها و اصول آن توضیحاتی ارائه داد.

حاضران در کلاس موضوعاتی از قبیل تقویت دشیفراژ، تقویت آکومپانیمان، تحلیل و آنالیز رپرتوار، قوانین هارمونی برای پیانو، آکوردهای آلمانی فرانسوی و ایتالیایی را دنبال کردند.

سهاکیان یادگیری تئوری موسیقی را یک امر همیشگی دانست و به هنرجویان توصیه کرد این مبحث را برای گسترده شدن مهارت آهنگسازی جدی بگیرند.

**فراگیری تئوری موسیقی دستگاهی، مقدمه مهارت در بداهه نوازی است**

به صورت اجرایی به حاضران آموزش داده شد.

مقایسه ردیف سازی و آوازی، ایجاز یا مینیمالیسم در ردیف میرزا عبدالله، جاودانگی شعر کهن و موسیقی دستگاهی و نواحی، پرده گردانی، مرکب نوازی یا مدولاسیون و در نهایت اشتراک تجربه و توصیه‌های جهت رشد شخصیت هنری از جمله مباحث مطرح شده در این کارگاه بود.

دومین جلسه از این کارگاه به صورت پرسش و پاسخ علاوه بر اجرای عملی هنرجویان و بهره‌گیری از نظرات علی‌اکبر شکارچی به پرسش‌هایی در مورد تمایز انواع روایت‌های ردیف، فن ویرره، ویژگی‌های موسیقی لرستان، تقویت مهارت بداهه نوازی و... پاسخ داده شد. هنرجویان به رفع اشکال‌های تکنیکی خود در این جلسه پرداختند.

**درک تئوری موسیقی برای آهنگسازان لازم و واجب است**

**به کتاب اکتفا نکنید، تمرین کنید!**

کارگاه تخصصی تئوری موسیقی با عنوان «آموزش ظرایف و دقایق تئوری موسیقی و هارمونی» زیر نظر وارطان سهاکیان



بداهه در وی تقویت شود. شعاری دواصل شناخت قواعد و زیبایی شناسی را برای بداهه نوازی برشمرد و سپس به توضیح مختصات این دواصل پرداخت. کارگاه تخصصی سه تار سپس به صورت کاملاً عملی با مشارکت حضاران ادامه پیدا کرد. هر یک از هنرجویان با اجرای یک گوشه با تکنیک‌های پرورش ملودی آشنا شده و در لحظه به خلق بداهه به صورت ابتدایی پرداختند. شعاری در ابتدا به اهمیت بالای نت شاهد و کاربرد آن در خلق بداهه اشاره کرد و تاکید داشت هنرجویان موسیقی ایرانی باید علم تئوری موسیقی را به بهترین شکل فرا بگیرند تا از طریق آن مهارت بداهه نوازی را گسترده کنند. شعاری سپس با توضیح خاصیت گوشه‌ها و برخی مثال‌ها در مورد خلق و پرورش ملودی بر بستر درجه‌های مختلف هر دستگاه توضیحاتی ارائه داد. بخش مفصلی از کارگاه نیز به مبحث تفاوت‌های اشاره و تکیه و کاربردهای آن گذشت. هنرآموزان در طول کلاس پاسخ پرسش‌هایی از قبیل آنالیز دستگاه‌ها، بداهه نوازی در گوشه‌های اصلی، انواع کنده کاری، چگونگی پیاده‌سازی تحریرهای آوازی با سه تار و دیگر مباحث تکنیکی را دریافت کردند.



### شنونده موسیقی باشید، نه تماشاگر یوتیوب!

کارگاه تخصصی ویولن با موضوع «شیوه‌های آموزش نوازندگی ویولن» توسط ستاره بهشتی (نوازنده ویولن و مدرس موسیقی و استاد دانشگاه) ۲۵ و ۳۰ آذر ماه در خانه موسیقی ایران برگزار شد. ستاره بهشتی در ابتدای این کارگاه به تحلیل شنیداری و تاریخ موسیقی پرداخت و دوره موسیقی باروک را مورد بررسی قرار داد. این مدرس دانشگاه بیان کرد که آگاهی در مورد فلسفه هنر و تئوری موسیقی برای هر نوازنده‌ای واجب است و به نواختن و درک بهتر ساز کمک می‌کند. در ادامه آثاری از باخ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در جلسه دوم این کارگاه آثار و سبک موتزارت مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و ستاره بهشتی تاکید کرد مطالعات موزیسین‌ها

کارگاه تخصصی سه تار با عنوان «تکنیک‌های پایه‌ای سه تارنوازی و مبانی بداهه نوازی» با هدایت مسعود شعاری دوشنبه ۲۰ آذرماه در خانه موسیقی برگزار شد. این کارگاه به صورت حضوری و مجازی پذیرای هنرجویان بود. مسعود شعاری کارگاه را با تعریف اولیه تکنیک بداهه و مبانی اصولی آن آغاز کرد و توضیح داد با وجود اینکه بخش عمده‌ای از این مهارت به تجربه و دانش نوازنده و حس درونی او و میزان تسلطش به روش‌های گوناگون نوازندگی بستگی دارد، اما باز هم این تکنیک تا حدی قابل آموزش است. او در ادامه گفت: یک نوازنده در سال‌های فعالیت باید مدام دانش خود را در معرض ارزیابی و چکش کاری قرار دهد تا حس





جلال ذوالنون، داریوش طلایی، رضوی سروسستانی و... همکاری داشته است گفت: برخلاف گفته خیلی‌ها تقلید کردن از شیوه و روش پیشینیان شرط لازم در یادگیری نوازندگی است. هر هنرجویی باید ابتدا تقلید کند و آرام آرام مسیر خود در نوازندگی را انتخاب کند. من در دوران جوانی ساعت‌ها با تقلید از شیوه نوازندگی اساتید تمرین می‌کردم و همان تمرینات باعث شد حتی بتوانم با دست چپ تنبک بزنم در حالی که من همیشه راست دست بودم. همان زمان برای خودم چالش بود اما تصمیم گرفتم انجام دهم و با تمرین و تقلید توانستم از عهده این کار بربیایم، پس از تقلید نترسید.

وی در ادامه در پاسخ به سوال هایی که چگونه نوازنده خوبی شویم گفت: شنیدن و تمرین کردن. تا می‌توانید گوش خود را به شنیدن موسیقی عادت دهید و در ادامه تمرینات مستمر را جدی بگیرید.

این نوازنده تنبک اشاره کرد برای نوازنده داشتن ذهنی آماده و دور از حاشیه بسیار مهم است و تمرین‌های مستمر به شما قدرت و جسارت خلاقیت می‌دهد.

باید در راستای تاریخ موسیقی باشد و بدون دانستن تاریخ و تئوری موسیقی درک از موسیقی ناقص است.

ما عادت کرده ایم اغلب نوازندگی‌ها را مشاهده کنیم، در نتیجه بسیاری از جوانان اغلب در یوتیوب به دنبال نوازندگی هستند در حالی که یک موزیسین به جای دیدن باید عادت به شنیدن داشته باشد و با سازی در دست موسیقی را کشف کند. در این کارگاه موسیقی عده ای از هنرجویان قطعاتی را نواختند و ایرادات خود را با مدرس کارگاه در میان گذاشتند.

### از تقلید هراس نداشته باشید

#### خاطرات مردی که با دست چپ تنبک نواخت

کارگاه تخصصی تنبک با موضوع «شیوه آموزش و روش تدریس تنبک» توسط مرتضی اعیان، ۲۱ و ۲۲ آذر ماه در خانه موسیقی ایران برگزار شد.

مرتضی اعیان در این کارگاه ابتدا در مورد شیوه‌های تنبک نوازی و انگشت گذاری بر تنبک صحبت و نکات کلیدی در مورد تبحر در نوازندگی را بیان کرد.

مرتضی اعیان که سالها با هنرمندانی همچون حسین علیزاده،



گفتگو با داریوش پیرنیاکان، نوازنده و مدرس تار  
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

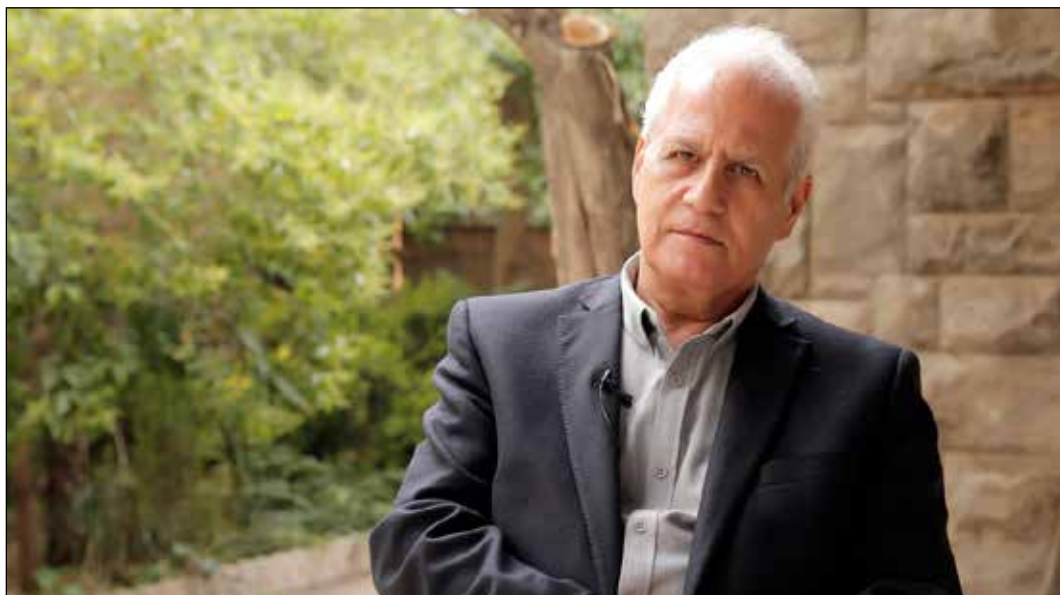


گفت و گو: ندا حیبی

## «نوآوری در محتواست نه در فرم»

پتانسیل قابل توجهی که در نسل جوان وجود دارد با همراهی اساتید دلسوز و فرهیخته و نیز عوامل زمینه‌ای دیگر می‌تواند به سرمنزل مقصودی بس مطمئن برسد. در حاشیه کارگاه «بررسی مکتب‌ها و شیوه‌های تارنوازی» گپ و گفتی داشتیم با استاد داریوش پیرنیاکان درباره مفهوم نوآوری و ارزیابی آن در میان نسل جوان موسیقی ایران.

وصف حال موسیقی ایران در حال حاضر به مانند بیماری است که با وجود همه‌ی مصائب جسمی که بر تن رنجورش هست همچنان روح فریبده و پرشوری دارد که گاه در تکنوازی یک هنرمند جوان در محروم‌ترین نقاط این سرزمین و گاه در گروه‌نوازی کودکان دبستانی که پیچیده‌ترین تصنیف‌های ایرانی را اجرا می‌کنند، شعله برمی‌کشد و جلوه‌گری می‌کند.



از دیگران نشان می‌دهد. مثلاً پیش درآمدهایی که ساخته فرمی دارد که با دیگر هنرمندان هم عصرش متفاوت می‌باشد. شیوه نوازندگی‌اش منحصر به فرد است. دلیل عمده این تمایز استفاده شهنازی از تمامی امکانات ساز تار است. از سیم‌های سفید و زرد و بم تا تمامی نواحی دسته ساز و همین طور نوع جمله بندی. ترکیب بندی‌های بسیار خلاقانه و همراه با نوآوری.

این ویژگی‌ها قطعا در جذب نسل جوان به این شیوه موثر است. شما استقبال جوان‌ها را چه‌طور می‌بینید؟

در سالهای متعدد فعالیت تان خاصه در حوزه آموزش نگاه ویژه ای به سبک استاد شهنازی داشته اید. چه ویژگی‌هایی در این مکتب هست که آن را متمایز می‌کند؟

وقتی در بین نواخته‌های نوازندگان هفتاد سال گذشته جستجو و بررسی می‌کنیم، شهنازی نوآوری‌های خاصی در بین هم نسلان و هم قطاران خود دارد. به طور مثال شما وقتی سازهای میرزا حسینقلی، درویش خان، معروفی و حتی نی داوود را می‌شنوید، حتی اگر گوش تخصصی دارید ممکن است باز با هم اشتباه بگیرید اما شهنازی از اولین مضاربه‌ایش تمایز کامل خود را



اجتماعی بود.

به طور کلی یک اتفاق رستاخیزی در ذهن جمعی باید رخ بدهد که خلاقیت و نوآوری هنرمند شکوفا شود. وقتی یک چالش و تپشی در جامعه به وجود می‌آید ادبیات و موسیقی و دیگر هنرها به دنبالش می‌آید. به طور مثال عارف قزوینی در جایی گفته است من زمانی شروع به ساخت تصنیف‌های وطنی کردم که قبل از آن برای گربه دربار ناصری تصنیف ساخته می‌شد.

اینهایی که من در جامعه موسیقی کنونی می‌بینم نوآوری نیست، اینها در سطح باقی مانده است. فقط شکل را عوض کرده اند اما در محتوا هیچ پیشروی ندارند.

**گمان می‌برید موسیقی ایران باز هم چهره‌های بزرگی به خود ببیند؟ مثل شهنواز و درویش و ...**  
یک نکته را در نظر بگیرید، این بزرگان هنر که اسم شان

ما زمانی می‌توانیم حرکت  
خلاقانه در بستر یک هنر انجام  
دهیم که آن هنر را به تمامیت  
فهم کرده باشیم. مثلا نیما  
یوشیج زمانی شعر نو گفته  
است که شعر کهن ایران را به  
طور کامل شناخته بود

را می‌بریم جملگی در راه معنوی موسیقی قدم برداشته اند. اینها شو اجرا نکرده‌اند، خودنمایی نداشته‌اند. موسیقی ما زبان خود جلوه‌گری نیست، یک زبان معنوی و فرهنگی است. شما از هنر ایران باستان در نظر بگیرید تا نقش و نقوش معماری ما و مینیاتورها و آثار متعدد دیگر، هنرمند حتی اسمش را روی این آثار حک نکرده است. دلیل این چه بوده؟ از فرهنگ چندین هزارساله معنوی ما برآمده است. پشتوانه اعتقادی این سیاق آن بوده است که منبع لایزالی وجود دارد که هر آنکه آینه خویش را بیشتر صیقل می‌دهد بهتر می‌تواند آن تصویر ازلی را منعکس کند. هنرمند آن شخصی ست که این تصویر را برای مردم منعکس می‌کند منبع جای دیگری است. این از حکمت‌های خسروانی و جزو فرهنگ باستانی ماست. همین ردیف موسیقی ما را کسی نمی‌داند چه هنرمندانی ساخته اند؟ در طی اعصار افراد بی شماری به این‌ها افزوده و از آن زوده اند صیقل داده و به اینجا رسیده است. ما هم همین وظیفه را داریم و ادامه می‌دهیم. ما بازتاب دهنده آن منبع ازلی هستیم و به نسل بعد این زیبایی‌ها را منتقل می‌کنیم.

امروزه اکثر کسانی که تار می‌نوازند خاصه جوانان استقبال بسیار زیادی از شیوه شهنازی دارند و علاقه دارند آثار او را بنوازند. همین ساختار خلاقانه و فرصتی که شهنازی به ذهن نوازنده می‌دهد که خلق و بسط کند باعث استقبال نسل جوان به این مکتب شده است. شهنازی سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۲ صفحاتی با اقبال سلطان ضبط کرده که وقتی اینها را امروز نگاه می‌کنی انگار برای همین امسال است و هم اکنون ضبط شده است. دید وسیعی داشت و به شدت رو به جلو کار می‌کرد. این باعث می‌شود برای جوان‌ها جذاب باشد.

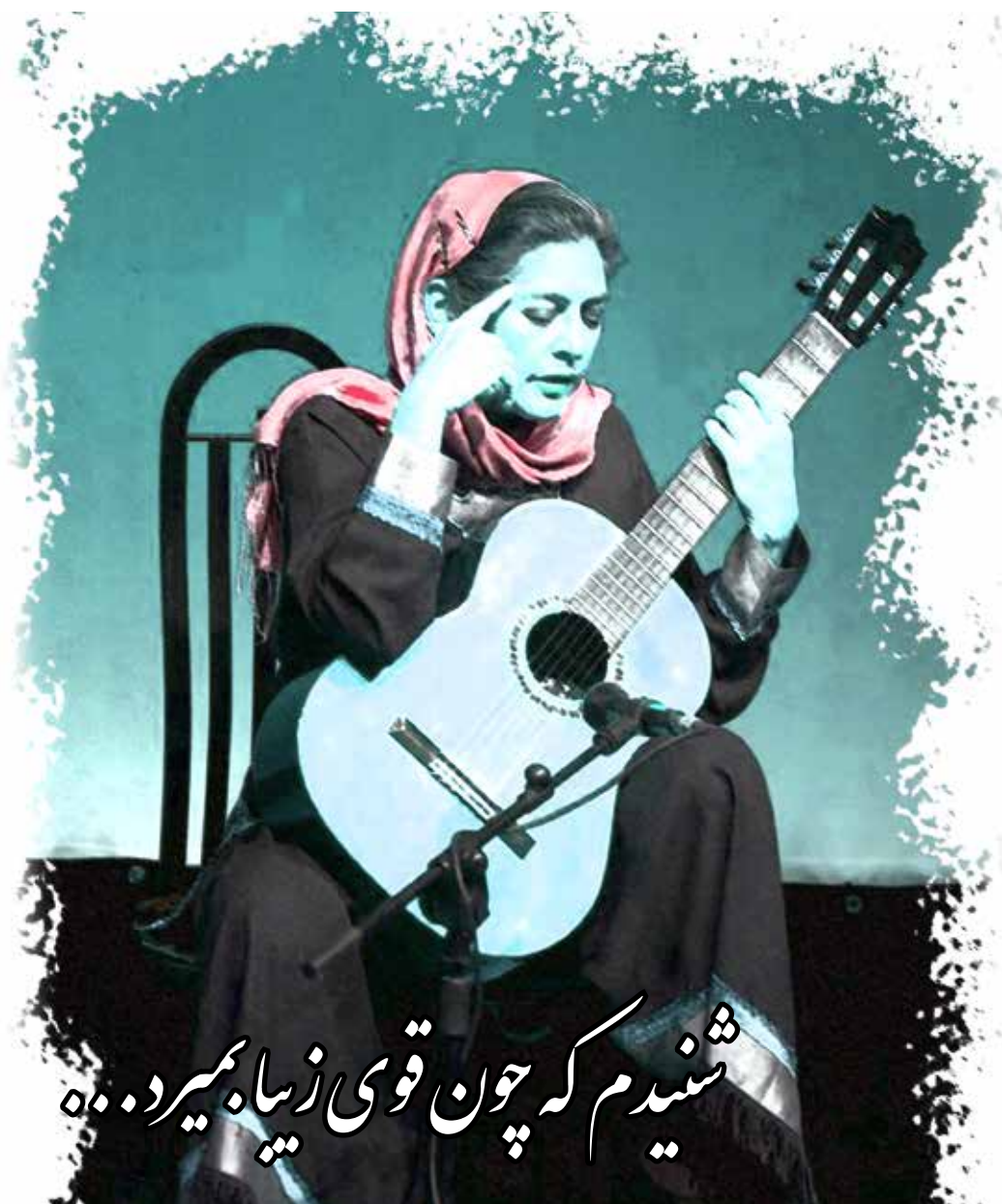
از این جهت به این بحث ورود کردم که جوان‌ها موسیقی ایران را یکنواخت می‌دانند و بسیار علاقه به نوآوری و حرف نو دارند. شما نوآوری‌های کنونی را در آثار موسیقی چگونه می‌بینید؟ باید بگویم جوانان به طور دقیق این موسیقی را هضم نمی‌کنند. خیلی زمان می‌برد تا انسان جوهره یک هنر را به طور کامل درک کند. ما زمانی می‌توانیم حرکت خلاقانه در بستر یک هنر انجام دهیم که آن هنر را به تمامیت فهم کرده باشیم. مثلا نیما یوشیج زمانی شعر نو گفته است که شعر کهن ایران را به طور کامل شناخته بود. این طور نبوده است که نیما نتواند غزل و قصیده و رباعی بگوید و به یکباره بیاید شعر نو بگوید. شما تا سعدی و ناصر خسرو و فردوسی نخواهید نمی‌توانید نویسنده خوبی شوید. این فرایند زمان‌بر است. جوانان اکنون نمی‌خواهند این زمان سپری شود، می‌خواهند بلافاصله به مقصد برسند! به محض اینکه تکنیک ساز را می‌آموزند شروع می‌کنند از این تکنیک استفاده نادرست کردن.

### شما معیارهای نوآوری را چه می‌دانید؟

این را بدانید محتوا باید خلاق باشد نه شکل و فرم ارائه. غزل هوشنگ ابتهاج را در نظر بگیرید و آن را مقایسه بکنید با قدما ببینید که از نظر محتوا چه قدر نو است چه قدر خلاقانه و جدید است. یا مثلا حسین منزوی چگونه واژگان و ترکیبات نو را در قالب غزل به کار برده است. پس این نیست بگویم چون مثلا من شبیه قدما ساز می‌زنم پس سبک من قدیمی است. خیر. شما با همین روش تمام مفاهیم و جمله بندی‌های عصر حاضر را می‌توانید به کار ببرید. این طور کار کردن اصلا قدیمی نمی‌شود، همیشه تر و تازه است مثل سبک استاد شهنازی در زمان خودش که دقیقا همین گونه بوده است.

**ما در زمانه ای زندگی می‌کنیم که تصانیف نوآورانه و در عین حال حساب شده بسیار به ندرت خلق می‌شود این مشکل ناشی از چیست؟**

نوآوری باید در نگاه فلسفی یک جامعه رخ دهد. این یک نگاه جمعی ست. زمینه اش باید باشد که هنرمند به این توانایی برسد. شما ببینید زمینه انقلاب مشروطه از پنجاه سال پیش از رخ دادن آن به وجود آمده، آرام آرام هنرمندان و نویسندگان و شعرا شروع به نشر آثاری کردند که منعکس کننده همان تغییر ذهنیت



## شنیدم که چون قوی زیاده میزد...

در این مراسم که با اجرای غزل نهانی شروع شد ابتدا آریا قریشی تک نوازی گیتار داشت و بعد کوارتت گیتار هنرستان پسران قطعاتی را اجرا کردند. در بخش دوم نازنین جلالی نوازنده کلاسیک و از هنرجویان زنده یاد لیلی افشار در سخنانی گفت: از همه بزرگانی که اینجا حضور دارند و قرار است من در میانشان صحبت کنم، پوزش می‌طلبم. آنچه در مورد خانم افشار واضح و مبرهن است و همگی از آن اطلاع داریم، این بوده که ایشان اولین نوازنده و آهنگساز گیتار کلاسیک هستند که در سطح جهانی موفق به دریافت دکترای گیتار کلاسیک شده‌اند و

در دومین روز از آبان ماه خبر درگذشت لیلی افشار نوازنده نامدار گیتار کلاسیک جامعه هنری را در بهت و حیرت فرو برد. این حیرت شاید از این جهت افزون شد که کمتر کسی از احوالات او مطلع بود و حتی بسیاری نمی‌دانستند او با برگشت به وطن و زندگی در سرزمین مادری خود را برای پروازی ابدی آماده کرده است. او در تنهایی و سکوت به دیار باقی شتافت و در خلوت به خاک سپرده شد. خانه موسیقی ایران مراسم بزرگداشتی برای این بانوی هنرمند برپا کرد. مراسمی که بیش از حرف و سخن رنگ و بوی موسیقایی داشت..

ایشان هم نوازنده و هم مدرس درجه یکی بودند اما وقتی با خودشان صحبت می‌کنید، می‌گویید دغدغه همیشگی‌ام اجرا بوده است اما به هر حال نمی‌شود از تدریس هم دور افتاد. ایشان خیلی به شرح و تفسیر موسیقی علاقه داشت و در این راستا مقالات زیادی را نوشته است. روزنامه واشنگتن ایشان را اینطور توصیف کرده است: لیلی افشار فوق‌العاده معصوم، عالی، بی‌عیب و نقص و قابل توجه است.

در ادامه آرام روحانی و علی سیفی به اجرای دونوازی گیتار پرداختند.

فرزاد دانشمند (رییس هیئت مدیره کانون نوازندگان کلاسیک) نیز در ادامه این مراسم گفت: از آنجایی که سخنران خوبی نیستیم؛ برایتان متنی را آماده کرده‌ام که بعد از توضیحاتی، آن را می‌خوانم. چیزی که لازم می‌دانم بگویم، این است که این خبر شوکه‌کننده بود. هنوز ایشان را هنوز خیلی لازم داشتیم؛ خیلی زود رفتند و جامعه هنری را تنها گذاشتند. باتوجه به اینکه نوازنده کلاسیک هستیم، روند ایشان را دنبال کردم و باید بگویم تأثیرات خانم افشار در بخش آموزش کلاسیک بسیار مشهود است. او افزود: شاگردان بسیاری از کلاس ایشان استفاده کردند. در واقع در بدو حضور زنده‌یاد افشار در ایران، اینترنت تا این حد همه‌گیر نبود. اما مطالب کلاس‌های او بسیار جدید و تازه بود و بر همین اساس تأثیر فراوانی گذاشته است. قدر دان ایشان هستیم و باید بگوییم وجودشان در دل دوستدارانشان همیشه زنده خواهد بود.

دانشمند سپس به خواندن متنی پرداخت که حاوی بخش‌هایی از ترجمه مقالاتی درباره مدل و کیفیت کاری زنده‌یاد لیلی افشار بود. در ادامه پربیناز حیدرنژاد به تک نوازی گیتار پرداخت و بخش پایانی مراسم به اجرای کنسرتو گیتار و ویوالدی در رماژور با همراهی ارکستر زهی هنرستان موسیقی پسران تهران با رهبری امیرپدرام طاهریان اختصاص داشت که با استقبال مخاطبان روبرو شد.

جنبش زنان دنیا را به این لقب مفتخر کرده‌اند. نکته حائز اهمیت اینکه ایشان یک زن ایرانی بودند و مانند زنان ایرانی دیگر تلاش کرده‌اند و در سطح جهانی درخشیدند.

او افزود: آنچه که از پیشرفت و درجه نوازندگی ایشان می‌بینیم؛ در اثر سال‌ها تمرین، ممارست و تمرین بوده و حاصل دشواری‌های فراوانی است که در این مسیر با آن مواجه بودند. توجه لیلی افشار به موسیقی فولکلور بسیار زیاد بوده است. از آنجا که ادبیات فولکلور شامل دو بخش است؛ اولین بخش مختص به آثار گذشته است و بخش دوم آفرینش دوباره آثار را رقم می‌زند. خانم افشار بسیار به این موضوع توجه نشان داده و به ادبیات موسیقی فولکلور ایرانی توجه ویژه‌ای دارند که در آثارشان نیز مشخص است.

این نوازنده کلاسیک با نام بردن از ۵ قطعه معروف زنده‌یاد لیلی افشار بیان کرد: تفاوت اجرا در قطعات لیلی افشار نسبت به نوازنده‌های دیگر کاملاً مشهود است. لیلی افشار معتقد است که موسیقی ایران دو نوع است؛

اول موسیقی محلی که مربوط به ایران است و با ساز گیتار قابل اجرا است و دوم بخشی از موسیقی سنتی ایران بوده که با گیتار قابل اجرا نیست. همین موضوع دلیلی می‌شود تا خانم افشار در جایی از زندگی‌اش به موسیقی ایرانی علاقمند شود. ایشان علاقمند به سه‌تار بود و زیر نظر ردیف استاد عزیزاده شروع به آموختن آن می‌کنند. اما از آنجایی که در آن زمان امکان این وجود نداشت که چند ماه برای آموزش در ایران باشند، خودشان می‌گویند باتوجه به اینکه موسیقیدان حرفه‌ای بودند، سعی کرده‌اند با درک خود و کمک گرفتن از کتاب و نمونه‌های صوتی موجود، نواختن سه‌تار را بیاموزند.

جلالی در ادامه صحبت‌هایش گفت: خانم افشار نوآوری‌های فراوانی را برای موسیقی به خصوص در ساز گیتار پدید آوردند.





نگاهی به مراسم سومین سال درگذشت استاد محمدرضا شجریان

## در ستایش هنرمندی که شجاعانه «نه» گفت..

آیین نکوداشت محمدرضا شجریان خواننده پیشگام موسیقی ایرانی به مناسبت سومین سال درگذشت این هنرمند عصر روز یکشنبه سی ام مهر ماه در قالب یک برنامه مشترک به همت خانه موسیقی ایران و خانه هنرمندان برگزار شد.



می‌کرد که شعرها و موسیقی هایش نیز معرف چنین میراث ارزشمندی باشد. دومین نکته ای که در آقای شجریان وجود داشت، تسلط فنی او بر دستگاه‌های موسیقی است. او تحریرهای یگانه ای داشت که شجریان را تبدیل به هنرمند شاخصی کرد، سومین ویژگی او «احساس» بود. هنر شجریان غلظت عاطفی داشت که براننده فرهنگ سه هزارساله ایران زمین بوده و در ملودی‌هایی که می‌خواند کاملاً محسوس بود.

این نویسنده و کارگردان تئاتر تصریح کرد: آنچه باعث شده که این غنای عاطفی، تاثیرگذار باشد توانایی هنرمندی بود که سرد و گرم روزگار را چشیده بود و همین ویژگی‌ها بود که توانست محمدرضا شجریان را به این جایگاه برساند. به نظرم آنچه از شجریان به عنوان یک تصویر ماندنی شد، تنها تسلط و تکنیک و عاطفه نبود. او هنرمند دارای تشخیصی بود که همراه هنرمندان دیگری چون محمدرضا لطفی، حسین علیزاده و دیگران موجی را در موسیقی ایرانی راه اندازی کرد که من و نسل من احساس کردیم موسیقی

قطب الدین صادقی نویسنده، کارگردان و پژوهشگر شناخته شده عرصه تئاتر در ابتدای این برنامه که اجرای آن بر عهده سید عباس سجادی بود، توضیح داد: فرهنگ ایران به جز ادبیات کلاسیک چهار پرچم حیرت انگیز دارد که اولین آن موسیقی و پرچم‌های دیگر نمایش، فرش، کاشی کاری و معماری است. یکی از شاخص‌ترین‌های پرچم موسیقی، محمدرضا شجریان است. او از جمله هنرمندانی است که بنای موسیقی او با جان شما حرف می‌زند. موسیقی او به ویژه ربنای او، موسیقی تاثیرگذاری بود که با تمام وجودش معنویت یک سرزمین را در روح شما سرریز می‌کرد.

### ستایش هنرمندی که در روزهای طوفانی به داد موسیقی

#### ایرانی رسید

وی افزود: محمدرضا شجریان هنرمندی یگانه است که دارای سه ویژگی است. اولین ویژگی او «ادراک» است. شجریان با تبحری که در فرهنگ عمومی ایران، فرهنگ کهن ایران و ادبیات کلاسیک ما داشت شرایطی را ایجاد

من اینجا نباید از موسیقی بگویم و شاید اگر این امکان را به من سپردند به جهت دوستی سه دهه ای بوده که با محمدرضا شجریان داشتم. به هر حال من فکر می‌کنم یکی از بزرگترین اتفاقاتی که توسط شجریان برای موسیقی ایران رقم خورد، کشیدگی دامن موسیقی از یک پدیده سمعی به شرایط و ابعاد دیگری بود و شاید در یک تاریکی مطلق این اتفاق صورت گرفت. شجریان موضوع موسیقی را از سطح حس وارد حوزه هنر کرد و کاش دوستانی که با حوزه فلسفه آشنا هستند از این زاویه به این موضوع نگاه می‌کردند.

وی با اشاره به مهارت‌های مختلف شجریان در هنرهای دیگر از جمله خوشنویسی افزود: شجریان دائم تاکید می‌کرد که موضوع موسیقی فقط مهارت نیست، بلکه رخدادهای حقیقت است یک پدیده درونی شده است. او برای موسیقی ایرانی شرایطی ایجاد کرد که تاکید جدیدی روی معنا بر فرم داشت.

**شجریان دائم تاکید می‌کرد  
که موضوع موسیقی فقط  
مهارت نیست، بلکه رخداد  
حقیقت است یک پدیده  
درونی شده است**

او انسان کاملاً چند بعدی بود که نگاهش به موسیقی و خط را کاملاً درک می‌کرد. او به تحریر به مثابه کشیدگی خط در خوشنویسی نگاه می‌کرد. البته نه هر جایی که اغتشاش معنایی پیدا کند. او درک ارتباطی عمیقی داشت که در آکسان گذاری آوازی و موسیقایی خود دقت زیادی داشت.

شکرخواه ضمن ارائه توضیحاتی از ارتباط خوانش موسیقایی محمدرضا شجریان با هنر خوشنویسی و دیگر هنرها گفت: او همواره رعایت مخاطب را می‌کرد. او خود را با جامعه اش بی ارتباط نمی‌دانست و به قدری روی این موضوع حساسیت داشت که مثال زدنی بود. پیش درآمدی که به مخاطب داشت او را به جایی رساند که می‌بایست با آنها در ارتباط باشد. وی خویشتن داری فراوانی داشت که برای من واقعا جالب توجه بود. این باور باعث شده بود که متن جایی به حاشیه کشیده شود. او فرامتن را به خوبی درک می‌کرد و همین درک فرامتن باعث می‌شد که شجریان موقعیت را به مقصد تبدیل کند. او فهمید متن باید با فرامتن و حاشیه گره بخورد. او فهمید راه سختی دارد و توانست از مطرب یک استاد

ایرانی از حالت بزمی و مجلسی خارج و به آن بعد اجتماعی داده شده است. مسیری که بسیار تاثیرگذار بود و منشوری داشت که بسیار کارساز بود. بنابراین می‌توان گفت تبدیل موسیقی به یک هنر اجتماعی و فرهنگی کار بسیار ارزشمندی بود که محمدرضا شجریان سردمدارش است.

او در ادامه گفت: شخصیت اجتماعی شجریان در سه مرحله نمود پیدا کرد و آن زمان‌هایی بود که شجاعانه نه گفت.

ابتدا قبل از انقلاب که به نوعی از موسیقی پاسخ منفی داد، بار دوم زمانی که تعدادی از احزاب برای ایدئولوژی خود به دنبال استفاده از موسیقی بودند و شجریان به این سواستفاده قاطعانه گفت و بار سوم زمانی که رو در رو رادیو و تلویزیون ایستاد و جز ربا اجازه پخش هیچکدام از آثارش را نداد.

صادقی در تشریح دیگر ابعاد شخصیتی مرحوم محمدرضا شجریان گفت: من هیچ وقت شانس همکاری با شجریان را نداشتم اما به طور حتم او را شایسته این مقام و جایگاه بزرگ می‌دانم. یاد می‌آید وقتی زمانی از او پرسیدم چرا یک بار دیگر با محمدرضا لطفی کار کردی. او گفت: لطفی از همه موزیسین تر است. یک بار هم یاد می‌آید وقتی در جایی مشغول اجرای موسیقی بود و دید نفراتی مشغول کشیدن سیگار هستند بلافاصله مکان را ترک کرد و تلاش می‌کرد در جایی موسیقی ایرانی اجرا شود که تشخیص این هنر والا پایمال نشود. او هنرمندی نبود که هنرش را پای منقل تلف کند او هنرمندی بود که از موسیقی ایرانی به معنای واقعی کلمه پاسداری کرد.

وی در بخش پایانی صحبت‌های خود اظهار کرد: مدت‌ها پیش افتخار داشتم در یکی از اجراهای محمدرضا شجریان حضور داشته باشم. از قضا در آن اجرا رایزن فرهنگی کشور فرانسه هم حضور داشت. شرایطی پیش آمد که این دو با هم ملاقاتی داشته باشند و در این ملاقات که بنده ترجمه صحبت‌های رایزن فرهنگی را به عهده داشتم، دیدم که او با چه القاب بالایی در زبان فرانسه شجریان را تحسین می‌کرد. پس از آن نیز صحبت‌های شجریان را برای رایزن فرهنگی ترجمه کردم و دیدم او با چه تواضع و فروتنی پاسخ وی را داد. به هر ترتیب شجریان مایه فخر موسیقی ایران است او مایه فخر فرهنگ معاصر ایران است. شجریان اول اصالت فرهنگی داشت، دوم توانایی فنی داشت و سوم مقام اجتماعی داشت. او دارای یک جایگاه بزرگ هنری است که توانست به سهم خودش در دوره طوفانی به موسیقی جایگاه رفیعی ببخشد. مسیری که کار هر کسی نبود.

### تشریح دغدغه‌های فرامتنی محمدرضا شجریان در موسیقی

یونس شکرخواه مدرس روزنامه نگاری و ازدوستان نزدیک مرحوم محمدرضا شجریان هم در این مراسم گفت:

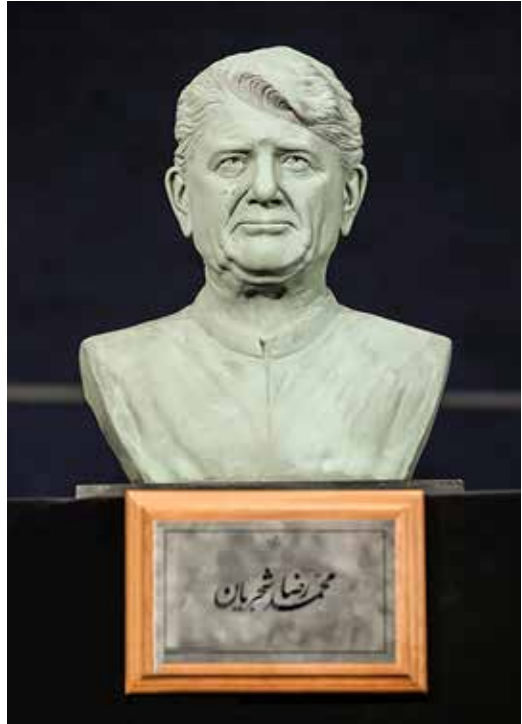
لازم را برای ارتقای فرهنگی مان انجام دهیم. این استاد خوشنویس در بخش دیگری از صحبت‌های خود تصریح کرد: دنیا مشتاق فرهنگ و هنر ماست اما ما در مواقع زیادی در سکوت زندگی می‌کنیم. قطعاً می‌دانم امکانات کمی داریم اما به نظرم امکانات، همین وجود شما مخاطبان و استادان است، شما می‌توانید برنامه‌های متعددی را در همین مکان برگزار کنید. برنامه‌هایی که می‌تواند در برگزیده جذابیت‌های فراوانی باشد. ما خودمان هم کوتاه می‌گردیم کما اینکه اگر در هر ماه بتوانیم با یک نام بزرگ یا یک هنر جهانی برنامه‌ای را برگزار کنیم، باز هم انباری فرهنگ و هنر ما خالی نمی‌شود. این نیاز طوری است که هر چه قدر جرعه‌های گوارای فرهنگ و هنر را بنوشیم تشنه‌تر خواهیم شد.

این هنرمند درباره ویژگی‌های هنری مرحوم شجریان در عرصه‌های مختلف هنر به ویژه هنر خوشنویسی توضیح داد: ما خوشنویسان با شعر نفس می‌کشیم. ما در دنیا یگانه هستیم. اما مدتی است سکوت کرده ایم. پس باید کاری کنیم که هنر ما و امثال شجریان بیشتر از هر زمان دیگری به دنیا معرفی شوند. این راه و رسم قدرشناسی از فرهنگ و هنر ایران زمین است.

امیرخانی در بخش پایانی صحبت‌های خود با ذکر خاطراتی از معاشرت با مرحوم محمدرضا شجریان گفت: این توفیق را داشتیم که همراه با خانواده به اتفاق محمدرضا شجریان به طالقان رقتیم. در این اثنا اتومبیل یکی از اقوام ما خراب شد و ما نمی‌دانستیم چه کاری کنیم اما محمدرضا شجریان آمد و اتومبیل را تعمیر کرد. شرایطی که برای من بسیار جالب توجه بود که یک استاد موسیقی توانسته چنین کاری را انجام دهد. به هر حال او همیشه یکی از هنرمندانی بود که در هر لحظه موقعیت‌های خود را می‌سنجید و در ترازو قرار می‌داد تا بتواند خود را جستجو کند.

پخش چند کلیپ از اجراها و مصاحبه‌های مرحوم محمدرضا شجریان، اجرای یک قطعه آوازی با هنرمندی علی جهاندار از شاگردان ارشد محمدرضا شجریان، اجرای موسیقی توسط مجتبی عسگری و سامان صادقیان، پخش کلیپی مشتمل بر صحبت‌های تعدادی از هنرمندان پیشکسوت موسیقی ایرانی پیرامون روند درمان مرحوم محمدرضا شجریان در ماه‌های پایانی عمر، رونمایی از سردیس محمدرضا شجریان با هنرمندی مریم نجفی از بخش‌های مختلف برنامه بود.

غلامحسین امیرخانی، حمیدرضا نوربخش، علی جهاندار، زیدالله طلوعی، محسن کرامتی، محمد مهدی عسگرپور، یونس شکرخواه، شهرام گیل آبادی، بابک چمن آرا، مجتبی میر طهماسب، جلیل اکبری صحت، داود گنجه‌ای، داریوش پیرنیاکان، فاضل چشمیدی، علیرضا میرعلی نقی و تعدادی دیگری از هنرمندان از جمله مهمانانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.



موسیقی بسازد، استاد محمدرضا شجریان.

### پیشنهاد ویژه استاد خوشنویس به مدیریت خانه هنرمندان ایران

غلامحسین امیرخانی خوشنویس و رئیس شورای عالی خانه هنرمندان ایران هم در آیین نکوداشت محمدرضا شجریان بیان کرد: بنده در این موقعیت با وجود سخنرانی درخشانی که در این مراسم شد بیش از پیش متوجه شدم که در همه عرصه‌ها صاحب گنج‌هایی هستیم که اگر فرصت مناسب داده شود این نمونه‌های درخشان در رفیع‌ترین قله‌های هنری جهان خواهند ایستاد. مگر نه اینکه حافظ و سعدی چنین جایگاهی را دارند. البته که بنده در این جا خودم را مستحق صحبت کردن از موسیقی نمی‌دهم ولی در کنار یک سفره رنگین و غذایی که به لحاظ معنوی روح آدمی را پرورش می‌دهد، نکته‌ای که این لحظه می‌توانم درباره شجریان بگویم این است که قدر خودمان را بیشتر بدانیم. وی افزود: این قدرشناسی در مقاطع مخالف قابل بهره‌برداری است. ما باید به شکلی در برنامه‌های فرهنگی خودمان منتظر یک بهانه تاریخی نباشیم زیرا تاریخ فرهنگ و هنر سرزمین ما به قدری درخشان است که هر روز آن را می‌توان به یک مناسبت اختصاص داد. با این پیشنهاد است که می‌توانیم در هر ۳۶۵ روز سال یک نشست فرهنگی داشته باشیم. البته شاید امکانات اجازه چنین کاری را ندهد اما می‌توان طوری برنامه ریزی کرد که این آرزو تا حد ممکن برآورده شود. یک جای تلخ هم برای برگزاری این رویدادها کافی است تا بتوانیم از این همه سرمایه فرهنگی استفاده





آذر پوربهرام

## عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهارت‌های ارتباطی اعضای خانه موسیقی ایران



آثار هنری تکیه می‌کنند. بعضی از آن‌ها معتقدند که هنر حاصل هر نوع فعالیت انسانی است که هدفش مافوق نیازمندی‌های اولیه است که در نتیجه ساخت کلی و روابط اجزاء نسبت به کل به وجود می‌آید.

در این راستا می‌توان بیان نمود که موسیقیدانان دارای مهارت‌های بالایی در زمینه برقراری ارتباط می‌باشند و بدین وسیله به راحتی با دیگران ارتباط برقرار می‌نمایند که این امر در پیشبرد اهداف کاری و شغلی و خانوادگی آنها نقشی اساسی ایفا می‌نماید بر این اساس در این پژوهش سعی شده است که به بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مهارت‌های ارتباطی موسیقیدانان بپردازد و به سؤال اصلی پژوهش پاسخ دهیم که عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهارت‌های ارتباطی اعضای خانه موسیقی ایران در سال ۱۳۹۹ کدام است؟. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهارت‌های ارتباطی اعضای خانه موسیقی ایران انجام شده است.

یکی از مهمترین مهارت‌های مورد نیاز، مهارت‌های ارتباطی است و افراد برای داشتن ارتباطی مؤثر با خانواده و اطرافیان خود باید مهارت‌های ارتباطی را آموخته و از آنها برای برقراری ارتباطی مناسب و دائمی استفاده نمایند.

مهارت‌های ارتباطی مظهر وجود ارزش انسان‌ها و عامل سازنده، مشوق و امیدبخش در رفتار اجتماعی گروه‌های انسانی است و از میان همه عوامل شادی بخش و سعادت آفرین، شاید برقراری روابط انسانی مطلوب، عمده‌ترین عامل خوشبختی و موفقیت هر فرد در زندگی است. اگر ارتباط انسانها با یکدیگر نبود، بنای عظیم فرهنگ و تمدن انسانی و هیچ یک از دستاوردهای بزرگ انسان پدید نمی‌آمد، جامعه شکل نمی‌گرفت، همبستگی، انسانیت، همدلی و عشق معنی و مفهوم پیدا نمی‌کرد و زیبایی و هنر به وجود نمی‌آمد زیرا زیبایی در جمع انسان‌ها تجلی می‌یابد. لذا در عرصه هنری مردم شناسان و جامعه شناسان بدون این که بخواهند تاثیر غرایز را در ایجاد آثار هنری به کلی نقد کنند، بر نیازهای زندگی اجتماعی و شرایط فرهنگی و

میدیدی است که روانشناسان اجتماعی بر نقش عوامل اجتماعی در تحریک رفتار انسانی تاکید کرده اند. بویژه در میان هنرمندان بدلیل ماهیت شغلی و روحیه کاری، نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی پر رنگ تر است.

### عوامل فرهنگی و اجتماعی

جامعه مدنی نیازمند فعالیت هنری و فعالیت هنری نیازمند تشکیلات و مرکزی جهت ارائه آثار هنرمندان است. هنرمند و دوستدار هنر در برقراری تعاملات اجتماعی نیاز به حس تعلق خاطر در همه ابعاد زندگی خود در جامعه دارند. از اینرو عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان هنرمندان قابل توجه و اهمیت است. عوامل اجتماعی طیف وسیعی از شاخصه هایی است که یک فرد به صورت رفتارها و عملکردهایی برای تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود بکار می گیرد، به طوریکه کیفیت و شیوه زندگی هر فرد بیانگر هویت و معرف شخصیت او می شود. مؤلفه های اجتماعی شامل طبقه، گروهها، نقشها، افراد، نظام های آموزشی، دیانت و نهادهای مذهبی، نظام میانی، اقتصاد و خانواده است. در پژوهش حاضر انتخاب مهمترین عامل اجتماعی مؤثر بر هنرمندان موسیقی بر شاخص های؛ سطح تحصیلات، شغل و آسیب پذیری درآمدی، باورها و ارزش ها و طرز فکر فرد، افت پیوسته زندگی عاطفی است. عوامل فرهنگی نیز بر ساختارهای روابط اجتماعی تأثیر می گذارد. فرهنگ یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده رفتار و خواسته فرد به شمار می رود که عمدتاً یاد گرفتنی است. عوامل فرهنگی، ارزشهای بنیادین، برداشتها، خواسته ها و رفتارهای متفاوتی است که از مبادی اصول فرهنگی و تربیتی نشأت می گیرد و درست از میان خودآگاه و ناخودآگاه هوشیاری اجتماعی عبور می کند. انتخاب مهمترین عوامل فرهنگی مؤثر بر هنرمندان موسیقی در این پژوهش بر شاخص های ذیل استوار است:

### انواع مهارت های ارتباطی

برای اثربخشی بیشتر ارتباطات، بایستی به مهارت های ارتباطی توجه لازم شود. اندیشمندان مدیریت، مهارت های ارتباطی را به سه مهارت تقسیم بندی کرده اند.

مهارت کلامی

مهارت شنود موثر

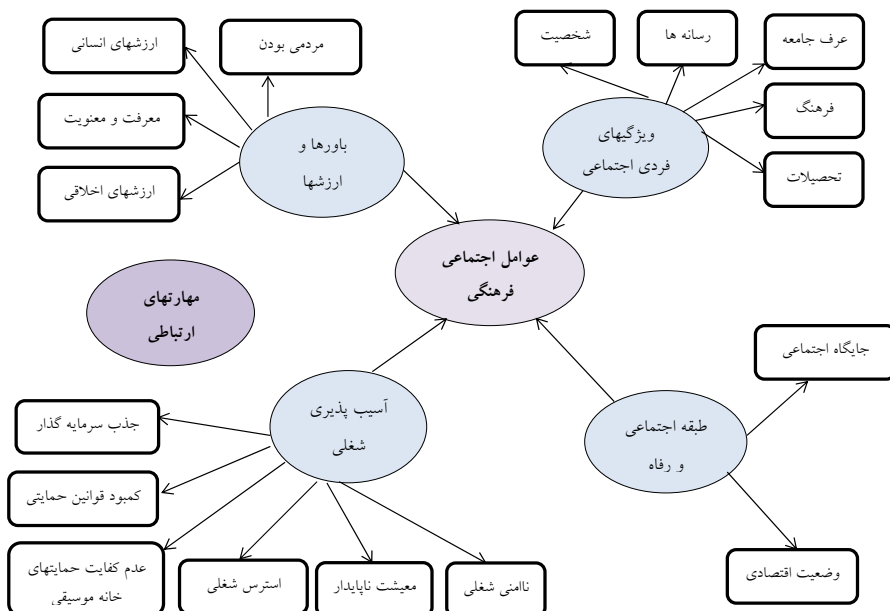
مهارت بازخورد

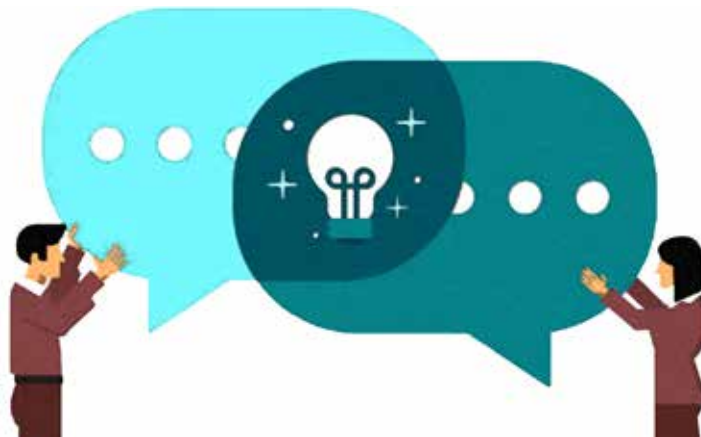
**مهارت کلامی؛** عبارت است از بکارگیری آگاهانه نمادهای کلامی به منظور ترغیب دیگران به انجام کار. هیچ کدام از رفتارهای انسانی به اندازه ارتباط کلامی وسعت و تاثیر ندارد. بنابر این ضرورت، هنرمندان باید تلاش کنند تا گفتارشان واضح، روشن و در عین حال قابل فهم باشد. به نظر رابینز عواملی چون تحریف، ابهام در پیام و گفتار موجب تضعیف اطمینان میشود و از این رو بر رضایت افراد اثر منفی خواهد داشت.

**مهارت شنود موثر؛** شنود موثر عبارت است از مشارکت فعال در یک گفت و شنود، فرآیند فعالی که شامل توجه، درک، ارزیابی، به خاطر آوردن و پاسخ دهی می باشد. برخی از اندیشمندان مدیریت بر این باورند که هنرمندان ۴۵ تا ۶۳ درصد از وقت خود را صرف گوش دادن می کنند.

**مهارت بازخورد؛** آخرین مرحله در فرآیند ارتباطات، مرحله بازخورد می باشد بازخور فرآیندی است که از طریق آن دریافت کننده، برقراری ارتباط را اعلام می کند و در پاسخ می گوید به شخص دیگر بگوئید که شما درباره چیزی که آن شخص انجام داده یا گفته است چه احساسی دارید.

از جمله مهمترین عوامل مؤثر بر بکارگیری مهارت های ارتباطی می توان، عوامل فردی، سازمانی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی را برشمرد. از میان عوامل مذکور عوامل اجتماعی و فرهنگی می توانند اثرات عمده ای بر مهارت های ارتباطی افراد داشته باشند و مدتهای





روابط به شان و منزلت واقعی آنها توجه خاص داشته و صادق تر بوده تا هنرمند بواسطه روحیه حساس و زودرنج بودنش بالاجبار خلوتگرایی و گوشه نشینی را انتخاب نماید.

نحوه معاشرت با اعضای خانواده، فرهنگ مصرفی موسیقی و عضو یک نهاد بودن است.

### مدل مفهومی استخراج شده

با توجه به مفاهیم شناسایی شده و گویه‌های هر مفهوم میتوان مدل ۱ را جهت نشان دادن عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مهارتهای ارتباطی موسیقیدانان نشان داد.

نتایج این پژوهش به شرح زیر است:

### آسیب پذیری شغلی

آسیب پذیری شغلی، به عنوان اولین مؤلفه شناسایی شده با شش بعد می‌باشد. این شش بعد عبارتند از نا امنی شغلی، معیشت ناپایدار، ضرورت جذب سرمایه گذار، استرس شغلی، کمبود قانون حمایتی مناسب و عدم کفایت حمایت‌های خانه موسیقی. آسیب‌های شغلی از مباحث مهمی است که به عنوان موانع اساسی در عدم پویایی سازمانها و منابع انسانی نقش تعیین کننده ای ایفا می‌کند و یکی از موانع مهم توسعه انسانی به شمار می‌رود، آسیب‌ها پدیده‌های چندگانه و چند علتی هستند لذا برخی مشاغل از جمله حیطه‌های هنری آسیب پذیرتر از سایرین محسوب می‌شوند. با توجه به ابعاد شناسایی شده برای آسیب پذیری شغلی موسیقیدانان عضو خانه موسیقی ایران، توصیه می‌شود؛ همواره مسئولان و صاحبانظران در حیطه موسیقی نسبت به انتظارات و خواسته‌های هنرمندان آگاه باشند و سعی در برآورده کردن آن و ایجاد رضایت کنند. با ایجاد ثبات در معیشت آنها، ایجاد قوانین حمایتی و اجرای آنها از استرس شغلی کاسته و بدین گونه زمینه آرامش و آسودگی خیال هنرمند را فراهم کرده تا شاهد خلق آثار بهتر و ماندگارتر باشیم.

### باورها و ارزشها

باورها و ارزشها، به عنوان دومین مؤلفه شناسایی شده با چهار بعد می‌باشد. این چهار بعد عبارتند از: معرفت و معنویت، ارزشهای انسانی، ارزشهای اخلاقی، مردمی بودن. نتیجه اولین مصاحبه با خبرگان نیز شناسایی همین چهار بعد برای سنجش متغیر باورها و ارزشها میباشد. با توجه به ابعاد شناسایی شده، توصیه میشود همواره در رویارویی با هنرمندان بیش از پیش به ارزشهای انسانی و اخلاقی پایبند بوده، در

### ویژگیهای فردی اجتماعی

ویژگیهای فردی اجتماعی، به عنوان سومین مؤلفه شناسایی شده با پنج بعد میباشد. این پنج بعد عبارتند از: فرهنگ/ تحصیلات/ عرف جامعه/ رسانه‌ها (صدا و سیما و فضای مجازی)/ شخصیت. با توجه به ابعاد شناسایی شده، توصیه میشود رسانه‌ها بویژه صدا و سیما حامی هنرمندان و آثار خوب باشند تا سلیقه موسیقایی عام مردم به سمت شایسته سالاری تمایل یابد. هنر را در فرهنگ جامعه نهادینه کرده و عرف‌های شایسته جامعه و آثار هنری بیش از پیش رابطه و همخوانی برقرار گردد.

### رفاه و طبقه اجتماعی

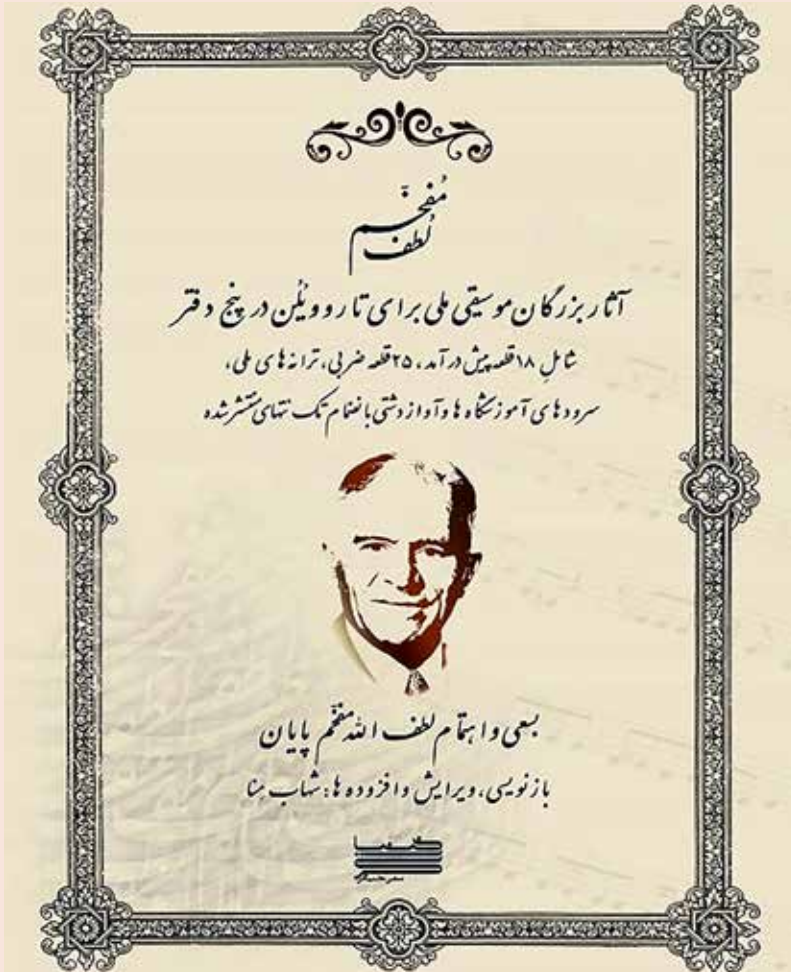
طبقه و رفاه اجتماعی، به عنوان چهارمین مؤلفه شناسایی شده با دو بعد میباشد. این دو بعد عبارتند از: وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی. طبقه اجتماعی مفهومی است که جایگاه و موقعیت فرد را در جامعه نشان می‌دهد. تمامی جوامع بشری دارای سلسله مراتب، طبقات و پایگاه‌هایی می‌باشند. برحسب اینکه طبقات اجتماعی هر جامعه ای بر مبنای چه اصول و ارزش‌هایی متمایز می‌شود، این پایگاه‌های اجتماعی در جوامع گوناگون، متفاوت از هم می‌گردند. اما وجه مشترک تمامی جوامع این است که طبقات اجتماعی دارای ارزش یکسان و مساوی نیستند که این مسئله به نابرابری و فواصل طبقاتی منجر می‌شود.

در پایان خاطر نشان می‌کنم که این پروژه با مشارکت ۳۳۰ نفر از اعضای هیئت مدیره، هنرمندان شاخص و پیشکسوت، اعضای خانه موسیقی ایران (پیوسته، وابسته یک، وابسته دو) بصورت مصاحبه و پرسشنامه به سرانجام رسیده است که در همین جا از همه عزیزانی که دلسوزانه و مهربانانه در این پروژه با بنده همکاری داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین از آقای نوربخش مدیر عامل محترم و آقای عاطفی معاون محترم خانه موسیقی و همکاران عزیز خانه موسیقی تشکر می‌کنم که در این مسیر همراه و راهنمای بنده بودند.



## درباره کتاب «لطف مفخم»



### سرودهای آموزشگاهها

این مجموعه را ساخته‌اند. اشعار سرودها از شاعران متقدمی چون فردوسی، سعدی، نظامی، اسدی طوسی، و برخی از برجسته‌ترین ادبا و شعرای معاصر، مانند جلال همایی، عبدالعظیم قریب، محمدحسین شهریار، حسین گل‌گلاب (با دوازده شعر) و عباس یمنی شریف است. در میان اسامی شعرا افرادی دیگر نیز مشاهده می‌شوند که امروزه به لطف مفخم با نام و سروده‌ای از ایشان آشنا می‌شویم.

**آواز دشتی (دفتر اول) شامل پیش‌درآمد، چهارمضرب، آواز، تصنیف و رنگ ردیف موسی معروفی برای تار و ویلن**  
موسی معروفی (۱۳۴۴ - ۱۲۶۸) در سرگذشت‌نامه خود

حاوی ۳۳ سرود وطنی و پندآموز به آهنگسازی و سرایندگی جمعی از بهترین موسیقی‌دانان و شعرای معاصر ایران است که در سال ۱۳۲۸ برای تعلیم در مدارس ایران مورد تصویب شورای عالی فرهنگ وقت قرار گرفته و رؤسای انجمن موسیقی ملی، اداره موسیقی کشور و هنرستان موسیقی ملی وقت بر آن تقریظ نوشته‌اند. موسیقی‌دانانی چون علینقی وزیری و روح‌الله خالقی (هریک با نه سرود و مارش)، علی محمد خادم‌میثاق (با شش سرود)، و پرویز محمود، رویک گریگوریان، ابراهیم منصوری، جواد بدیع‌زاده، حسن رادمد، داوود نجمی، منوچهر وارسته و لطف‌الله مفخم‌پایان (هریک با ساخت یک سرود) نعمات

## لطف مفخم

نشر خنیاگر به یاد دکتر لطف‌الله مفخم‌پایان منتشر کرد:

«لطف مفخم: آثار بزرگان موسیقی ملی برای تار و ویلن در پنج دفتر: شامل ۱۸ قطعه پیش‌درآمد، ۲۵ قطعه ضربی، ترانه‌های ملی، سرودهای آموزشگاه‌ها و آواز دشتی به‌انضمام تک‌ن‌های منتشرشده»، به‌سعی و اهتمام لطف‌الله مفخم‌پایان؛ بازنویسی، ویرایش و افزوده‌ها شهاب مینا.

در توضیحات پشت‌جلد این اثر به قلم ویراستار می‌خوانیم:

دکتر لطف‌الله مفخم‌پایان (۱۳۶۲-۱۲۹۴) از شاگردان مبرز استاد ابوالحسن صبا بود که از سال ۱۳۱۴ به‌عنوان دستیار او عهده‌دار تدریس نوآموزان ویلن مکتب صبا، و در غیاب استاد خلیفه کلاس‌هایش می‌شد. مفخم‌پایان در نت‌نویسی و انتشار دوره‌های ردیف ویلن استاد ابوالحسن صبا نیز کوشش بسیار نمود به‌طوری‌که دوره‌های ردیف ویلن صبا به‌اهتمام او به انتشار رسیده‌اند. وی در انجمن موسیقی ملی نیز به همکاری با روح‌الله خالقی پرداخت و نت آثاری از بزرگان موسیقی ایران را برای اولین بار در مجله چنگ به چاپ رساند. مفخم‌پایان طی دهه‌های بیست، سی و پنجاه پنج جلد کتاب از آثار بزرگان موسیقی ملی را گردآوری، نت‌نویسی و منتشر کرد که از آن میان، در سال‌های اخیر فقط کتاب هجده قطعه پیش‌درآمد برای ویلن بازنشر شده‌اند.

نشر خنیاگر برای نکوداشت نام و آثار دکتر لطف‌الله مفخم‌پایان به نت‌نویسی کامپیوتری و بازنشر پاکیزه پنج کتاب منتشرشده از این موسیقی‌دان عاشق و خدمتگزار صادق موسیقی ایران با عنوان «لطف مفخم» پرداخته است. این عنوان که ابتکار ناشر این مجموعه است، ابهامی از نام و نام خانوادگی وی، و میراث مکتوبی است که به لطف او برای موسیقی ایرانی به‌یادگار مانده است. در مجموعه «لطف مفخم» اسناد مربوط به چاپ و توزیع این کتاب‌ها، نظرات بزرگان موسیقی ایران درباره آنها، شرح حال و تصاویر مفخم‌پایان و آهنگسازان و شاعرانی که آثارشان در این مجموعه درج شده، و سرانجام تک‌ن‌های منتشرشده به‌سعی و اهتمام لطف‌الله مفخم‌پایان نیز به متن‌های پیشین افزوده شده است.

یادگاری از هنر باقی گذاشت همت پایان که پایانش نیست

(سروده رهی معیری، ۱۳۲۷)

در هفته‌نامه هنری ادبی-سیاسی زنگ، شماره ۵، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۲، ذکر می‌کند علاوه بر نوشتن کامل ردیف‌های موسیقی ایرانی به ساختن آهنگ‌ها، از قبیل پیش‌درآمد و رنگ برای تمام آوازا و قطعات دیگر، از قبیل تصنیف و آواز ضربی و مارش و سرود و غیره نیز مشغول بوده و نیز قسمتی از آوازا را به سبک جدید، به‌طور خلاصه، نوشته که فقط آواز دشتی آن‌را آقای مفخم‌پایان به چاپ رسانده و بقیه هنوز به چاپ نرسیده است. چنان‌که مفخم‌پایان ذکر می‌کند، این جزوه شامل پیش‌درآمد، چهارمضرب، آواز (شامل گوشه‌های سارنگ یا سارآهنگ، عشاق، گیلکی، زار و نزار، کوچ‌باغی، چوپانی، دشتستانی و مثنوی)، تصنیف (با شعر سروده موسی معروفی) و رنگ دشتی است و به‌گونه‌ای نوشته شده که برای همه سازهای ایرانی قابل استفاده باشد و آواز آن طوری طراحی شده که پس از نعمات خواننده مطلب دیگری به کار رود تا مانع یکنواختی و موجب تنوع شنیداری شود.

تک‌ن‌های منتشرشده به‌سعی و اهتمام لطف‌الله مفخم‌پایان

شامل شش تک‌ن‌ت مستقل منتشرشده به سعی و اهتمام لطف‌الله مفخم‌پایان است و شامل سرود نفت (آبان ۱۳۳۰)، سرود دبیرستان علمیه (مهر ۱۳۲۷)، سرود دهقان (بی‌تا)، تصنیف مشکن دلم (۱۳۳۴)، دعا (۱۳۲۷) و شش آهنگ محلی دشت باوی (۱۳۲۸) است.

مجموعه حاضر را «لطف مفخم» نامیدم تا هم گواه لطف او بر موسیقی و موسیقی‌دانان ایران باشد و هم تلخیصی از نام و نام خانوادگی او، «لطف‌الله مفخم‌پایان».

مقدمه‌ها و مؤخره‌های کتاب‌های مفخم‌پایان اغلب با گله از مسئولان و موسیقی‌دانان و شرایط روزگار خویش همراه است. پس از اتمام امور فنی آماده‌سازی این مجموعه در سال ۱۳۹۸ به دلیل بلیه کمال‌گرایی سه سال در انتشار آن تعلل کردم و اینک که در سخت‌ترین شرایط با گرانی افسارگسیخته هر روزه و اقبال کمیته مخاطبان دست به انتشار این مجموعه می‌زنم از خود می‌پرسم آیا لطف‌الله مفخم‌پایان عاشقانه‌تر از موسیقی‌دانان هم‌نسل من به هنر شریف موسیقی ایرانی عشق می‌ورزید و آیا می‌توانست در شرایط کنونی بسیار بدتر از دوران خود در نشر آثار موسیقایی مداومت کند؟!

به یاد استاد مصطفی کمال پورتراب

داود گنج‌های

## معلمی واقعی، انسانی تمام عیار



می گرفت شرایط مرا سنجید و بعد بهترین پیشنهاد را به من داد؛ جامعیت استاد پورتراب در زمینه ی آموزش از همان زمان مشخص و مشهود بود.

بار دوم که استاد را دیدم موقعی بود که من بعد از کنکور که در دانشگاه قبول شدم ایشان را در شورای ارزیابی دیدم؛ در آن شورا دکتر برکشلی هم حضور داشت؛ ایشان تا مرا دید پرسید قبلاً شما را دیده ام؟ و من گفتم بله یک موقع در هنرستان خدمتتان رسیدم ... بعد از من امتحان گرفت و دوران دانشگاه من آغاز شد.

سالها از آن دوران گذشت و این بار برای سومین بار در خانه موسیقی و در کانون مدرسان و شورای عالی خانه موسیقی، خوشبختانه برای چندین سال در کنار ایشان بودم و درسهای فراوانی از ایشان گرفتم.

ایشان در شوراهاى مختلف موسیقی از ارشاد گرفته تا صدا و سیما و دانشگاه ها و مخصوصاً در تاسیس و راه اندازی خانه موسیقی نقش و تأثیری بسزا ایفا کرد و با دغدغه ای بی نظیر حضور پیدا می کرد و عاشقانه برای موسیقی و هنرجویان و علاقه مندان به این هنر از هیچ کوششی دریغ نمی کرد.

پورتراب معلمی دلسوز، دقیق و با سواد بود که به کارش ایمان داشت او ساعت‌های زیادی وقت می گذاشت و در خانه ی موسیقی می آمد مستر کلاس برگزار می کرد و از آنجا که همواره خودش را طلبه می دانست هیچگاه از آموختن باز نمی ایستاد و من به عینه می دیدم که گاه در خانه با آقای عاطفی

خیلی اتفاق جالبی است که آدم در مقاطع مختلف عمرش با یک نفر روبرو و همنشین شود و از همه ی آن مجاورت‌ها خاطرات خوشی داشته باشد.

من خوشبختانه این شانس را داشتم که چند بار و در زمان‌های مختلف با زنده یاد پورتراب مواجه شدم. آشنایی من با ایشان در سال ۱۳۴۵ اتفاق افتاد، آن موقع من نوازندگی می کردم و ردیف موسیقی ایرانی را بلد بودم و برای اینکه تئوری موسیقی ام را تقویت کنم به پیشنهاد علی رهبری - که آن موقع از هم محله ای‌ها و دوستانم بود- به هنرستان عالی موسیقی که محل کار استاد بود رفتم.

وارد اتاق که شدیم دیدیم آقای پورتراب مشغول نوازندگی پیانو است. بعد از یک حال و احوالی که با رهبری داشت موضوع را که متوجه شد از من چند سوالی کرد که چی بلد هستم و چرا به آنجا رفته ام و من هم توضیح دادم و بعد یک جمله نت نوشت و جلویم گذاشت و گفت بخوان؛ من هم خواندم و بلافاصله گفت: خیلی خوبه که هم نوازندگی بلدی و هم اینکه نت خوانی ات هم خوبه و بعد پرسید از کجا می آیی؟ من گفتم از شهر ری و بلافاصله گفت نه نمی خواهد از آن راه دور بیایی و بهتره که فعلاً با آقای رهبری که همسایه ی شماست تئوری موسیقی را کار کنی.

این چند جمله ای که گفتم خود نشاندهنده ی این نکته بود که آقای پورتراب به معنای واقعی کلمه یک معلم تمام عیار بود. او با چند سوال که در واقع همه ی جوانب را در نظر



## آنکس که نداند و بداند که نداند! خاطره‌ای جالب از استاد باستانی پاریزی



زمانی که در دانشگاه تهران تحصیل می‌کردم روزی امتحان تاریخ داشتیم. استاد آمد و فقط یک سوال داد و از کلاس بیرون رفت. "مادر یعقوب لیث صفار از چه نظر در تاریخ معروف است؟" از هر کدام از همکلاسی‌هایم پرسیدم نمی‌دانستند. تقلب هم آزاد بود چون مُراقب و مُمتحنی حضور نداشت اما برآستی هیچکس چیزی نمی‌دانست.

همگی دو ساعت نوشتیم از صفات برجسته این بانوی بزرگ ایرانی: از شجاعت او؛ از مهارت در شمشیر زنی، تیراندازی و اسب‌سواری او؛ از تقوا، اخلاق و رفتار شایسته‌ی بانویی چون او! خلاصه هر چه که در شأن و شخصیتِ مادرِ سرداری چون یعقوب لیث صفاری به ذهنمان آمد نوشتیم! استاد بعد از دو ساعت آمد و ورقه‌ها را جمع کرد و رفت. چند روز بعد موقع اعلام نتایج امتحان تاریخ، در تابلو، مقابل اسامی همه نوشته شده بود: مردود

برای اعتراض به دفتر استاد رفتیم. استاد گفت کسی اعتراض دارد؟ همه گفتیم آری. گفت: خوب پاسخ صحیح را چرا ننوشتید؟ پرسیدیم پاسخ صحیح چه بود استاد؟ گفت: "در هیچ کتاب و منبع و سند تاریخی، نامی از مادر یعقوب لیث صفار برده نشده است. پاسخ صحیح «نمی‌دانم» بود. همه چند صفحه نوشته بودید اما کسی شهادت نداشت بنویسد: «نمی‌دانم».

ملتی که فکر می‌کند همه چیز می‌داند، ناآگاه است. بروید با کلمه زیبای نمی‌دانم آشنا شوید، زیرا فردا، گرفتار نادانی خود خواهید شد.

راجع به واژگان و ادبیات موسیقی ساعتها و با حوصله بحث می‌کرد و اگر نکته‌ای نمی‌دانست و یا از صحت و سقم موضوع مطمئن نبود می‌گفت اجازه بده من بروم و در باره‌اش تحقیق کنم و این نکته بسیار مهمی است که با وجود سواد بالایی که داشت نگران بود که مبادا مطلبی غلط و اشتباه را به دیگران آموخته باشد.

ما در زمینه آموزش تئوری موسیقی اگر پیشرفتی داشتیم مدیون تلاشهای استاد پورتراب است و به جرات می‌توانم بگویم که تقریباً تمامی کتابهای تئوری موسیقی که تالیف و چاپ شده، برگرفته از تئوری موسیقی استاد پورتراب است.

مرحوم پورتراب تا لحظه‌ی آخر عمرش از یادگیری و تعلیم و تربیت غافل نبود و در حوزه‌های مختلف علوم موسیقی مطالعه و در برخی حوزه‌ها اشراف کامل داشت ... هر وقت که در محضرش بودیم مطالب مختلفی را مطرح و از حاضران سوال می‌کرد و بدون استثنا اطرافیان در آن جلسه نکاتی را یاد می‌گرفتند.

او علاوه بر اینکه معلمی بی‌نظیر و دانشمندی در سطح بین‌الملل بود، وجوه انسانی و خصوصیات برجسته‌ای هم داشت؛ پورتراب انسانی خیر و خیرخواه بود و در کمک به دیگران و بویژه قشر محروم و ضعیف جامعه پیشتاز بود و من شاهدم که ایشان چند بار به شاگردانش که استعداد بالایی داشتند ساز هدیه می‌داد و همواره با مهربانی و ملاحظت به یاری افراد فقیر می‌شتافت.

واقعا نمی‌دانم انسانهایی نظیر زنده یاد پورتراب از چه دنیایی می‌آیند و چه فرشتگانی هستند که چنین تاثیرات بزرگ و درخشانی از خودشان برجای می‌گذارند و متأسفانه رفته رفته ما دیگر چنین انسانهایی بزرگی را کمتر می‌بینیم و روز به روز اخلاق در جامعه‌ی ما کم فروغ تر می‌شود.

یاد و نام این مرد بزرگ را گرمای می‌دارم و مفتخرم که چند دهه به عنوان شاگردی کوچک نزد ایشان بودم و از او آموختم.

## پست مدرن و موسیقی

بهمن مه‌آبادی



تحول تاریخی می‌پردازیم؛ اگرچه نیک می‌دانیم پرداختن به همه ابعاد و زوایای آن در این مجال کوتاه ممکن نیست. اما این باعث سکوت و نادیده گرفتن تاریخ مدرنیته در حوزه موسیقی نمی‌تواند بود.

مسیان، اشتوکهاوزن، وبرن، بولز، پندرسکی، لوتسوافسکی، لیگتی، هنتسه، دالایکولا، شنزن، بلوخ، کیچ، فیینی، آلبان برگ، بریتن، تی‌پت، دیویس، کرامب، برت ویسل، ماو، سال لینن، پارت، اشنیتکه، شوستاکوویچ، ساتی، کوکتو، رابلی، رایش، گلس، آدامز، چدویک، و آیوز از جمله شخصیت‌های مطرح در این حرکت نو و تازه‌اند و البته بسیاری دیگر که در این مقاله امکان پرداختن به آنها فراهم نبود.

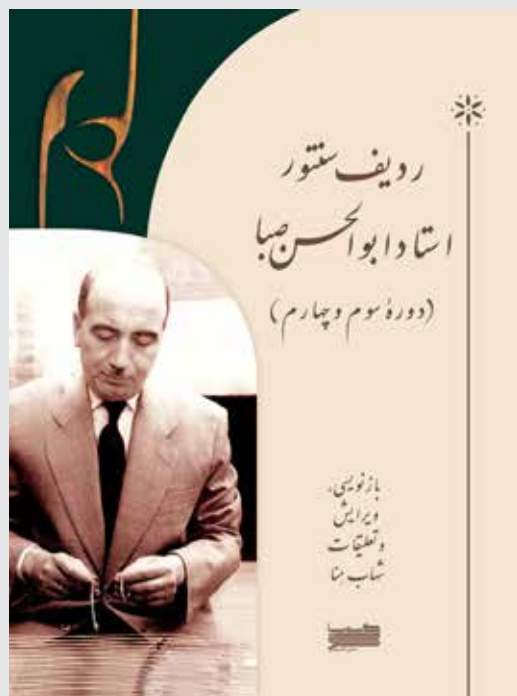
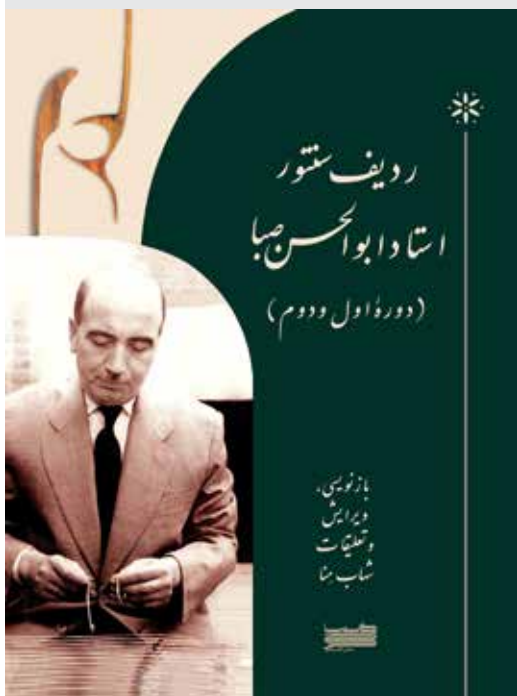
بی‌تردید با خواندن این مطلب می‌توان به مقالات «اکسپرسیونیسم و موسیقی»، «آلبان برگ و وتسک»، «آنتون وبرن»، و «شوستاکوویچ و مدرنیسم» در سایت سل فیلارمونیک مراجعه کرد تا در کل امکان دستیابی صحیح به اطلاعات موسیقی مدرن فراهم شود.

نو بودن و جور دیگر اندیشیدن بی‌تردید جای بسی تبریک دارد.

نو بودن جرم نیست؛ چرا که همه ما در پی به‌روز شدن هستیم و حتی ابزارهای ارتباطی خود را نیز گاه و بیگاه آپدیت می‌کنیم تا به‌روز شوند. واژه مدرنیته از حدود قرن سیزدهم فرا راه موسیقی قرار گرفته است و از هر چند گاه با مقاومت خاصی روبرو بوده که در نهایت با پیروزی مدرنیسم، کهنگی درهم شکسته و شفافیت نوین جایگزین شده است. باخ زمانی که به اصلاح فواصل بین پرده‌ای موسیقی همت گماشت، علمی مدرن و نوگرایانه انجام داد؛ و بتهوون آنگاه که گویش خاص خود را در آثارش دمید راه تازه‌ای را پیش پای موسیقی نهاد؛ و آگنر گام‌های وسیع‌تری برداشت؛ و دبوسی، راول راه‌های تازه‌ای را فراروی مسیر موسیقی قرار دادند؛ استراوینسکی، هندمیت، بارتوک، شوئنبرگ، و در دیگر شاخه‌های تفکر و اندیشه، اینشتین، پیکاسو، کاندینسکی، و ... در این دگردیسی خردمندانه نقش عمده‌ای را ایفا کردند. این حرکت به پست‌مدرن و مینیمالیسم ختم شد، راه و روشی که تا زمان حضور انسان ژرفاندیش تازه‌جو و نوگرا ادامه خواهد داشت.

ما در مقاله «پست‌مدرن و موسیقی» به چند و چون این

## ردیف سنتور استاد ابوالحسن صبا



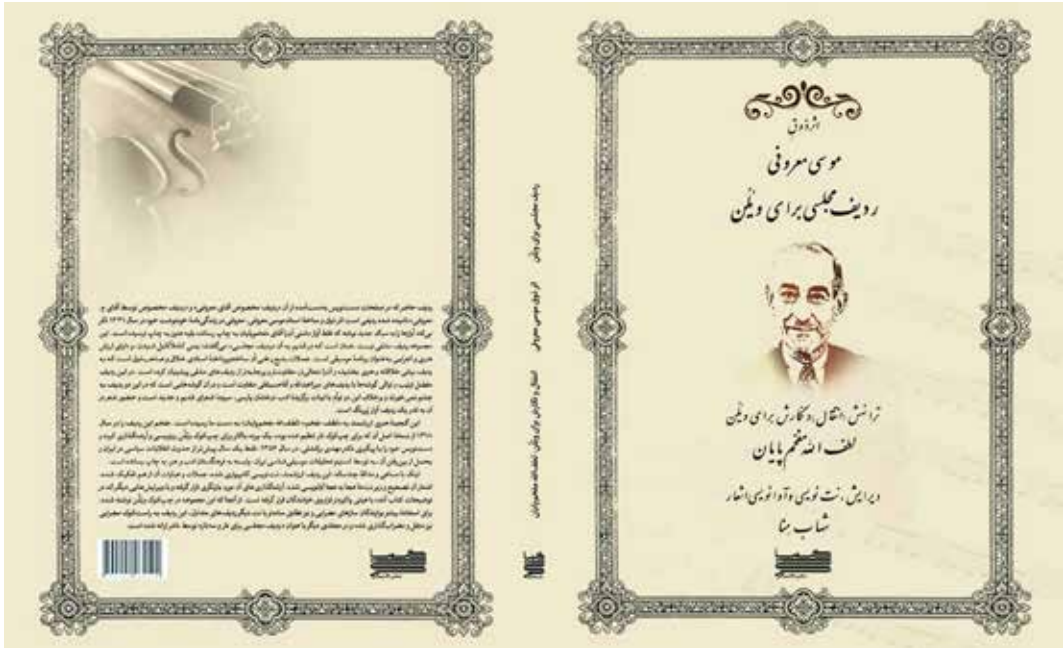
و اسناد و مقالات تکمیل‌کننده آنها به قلم صبا، صفحاتی از نت‌های چاپ اول و دوم دوره‌ها، دست‌نویس‌های صبا از دوره اول ردیف خویش برای یکی از شاگردانش و رونوشت نسخه پیش از انتشار دوره سوم ردیف استاد و مقایسه آنها با نسخه چاپی و بازنشرهای ردیف سنتور صبا که سیر تکوینی محتوا و رسم‌الخط نگارش آن‌را نشان می‌دهند. از هنرمندانی که در قالب راوی مطالب، ویراستار، نت‌نویس، خوشنویس و... در به‌ثمررساندن و انتشار ردیف سنتور به استاد ابوالحسن صبا یاری رسانده‌اند نیز یاد شده و شرح حال و تصاویری از ایشان درج شده است. ویراستار در ضمیمه به مصاحبه با آخرین شاگردان زنده صبا نشست، اطلاعات تاریخی و فنی ایشان را درباره ردیف سنتور استاد ابوالحسن صبا گردآورده، ضمیمه و متن کتاب را با تصاویر سنتورنوازی صبا و شاگردان برجسته او مزین کرده و اشعار به‌کاررفته در این ردیف را نیز مورد بررسی قرار داده است. ویراستار در کتاب حاضر، با تلاش چندساله خود در ویرایش نت‌ها و گردآوری اسناد کمیاب، کوشیده است این کارگاه ارزنده سنتورنوازی کلاسیک ایرانی را بیش از پیش به نسل کنونی سنتورنوازان بشناساند و آموزش آن‌را تسهیل کند.

ردیف سنتور استاد ابوالحسن صبا، با بازنویسی، ویرایش و تعلیقات شهاب‌مینا، در دو مجلد توسط نشر خنیاگر منتشر شد.

در متن پشت جلد این مجموعه از زبان ویراستار می‌خوانیم: مجموعه دوجلدی‌ای که فراروی خود دارید حاوی بازنویسی کامپیوتری و ویرایش ردیف سنتور استاد ابوالحسن صبا است که با تعلیقاتی مفصل ارائه شده است. در ویرایش نت‌ها جملات و اجزای آنها از هم تفکیک شده، اشعار هجا به هجا زیر نت‌ها آوانویسی، و نحوه وصل چنگ‌ها و دولانچنگ‌ها در فیگورهای موسیقایی بازبینی شده‌اند. همچنین رسم‌الخط نگارش نت‌ها و علائم نت‌نویسی مورد ویرایش قرار گرفته، مشکلات رسم‌الخط پیشین رفع شده و نحوه نگارش فیگورهای مشابه همسان‌سازی، و نت‌نویسی بی‌تصرف در محتوا ساده‌نویسی شده است. کتاب حاضر مجموعه‌ای از اطلاعات تاریخی درباره ردیف سنتور استاد ابوالحسن صبا را نیز در بر دارد، از جمله قراردادهای و مراسلات مربوط به انتشار و ثبت در کتابخانه ملی، اخبار انتشار در نشریات قدیم موسیقی، تصویر جلد و مقدمه و توضیحات ابتدا و مؤخره چاپ‌های اولیه هریک از دوره‌های چهارگانه



## اثر ذوق موسی معروفی



و دست‌نویس خود را با پیگیری دکتر مهدی برکشلی، در سال ۱۳۵۶، فقط یک سال پیش‌تر از حدوث انقلابات سیاسی در ایران و احتمال از بین رفتن آن، به توسط انستیتو تحقیقات موسیقی‌شناسی ایران، وابسته به فرهنگستان ادب و هنر، به چاپ رسانده است.

اینک با مساعی و مذاقه چندساله، این ردیف ارزشمند، نت‌نویسی کامپیوتری شده، جملات و عبارات آن از هم تفکیک شده، اشعار آن تصحیح و زیر نت‌ها هجا به هجا آوانویسی شده، آرشه‌گذاری‌های آن مورد بازنگری قرار گرفته و با ویرایش‌هایی دیگر که در توضیحات کتاب آمده با هیئتی پاکیزه‌تر فرآوری خوانندگان قرار گرفته است. از آنجا که این مجموعه در چاپ کوک ویلن نوشته شده، برای استفاده بیشتر نوازندگان سازهای مضرابی و نیز تطابق ساده‌تر با نت دیگر ردیف‌های متداول، این ردیف به راست‌کوک مضرابی نیز منتقل و مضراب‌گذاری شده و در مجلدی دیگر با عنوان «ردیف مجلسی برای تار و سه‌تار» توسط ناشر ارائه شده است.

از آنجا که این مجموعه در دست‌نویس به‌جامانده از مفخم‌پایان در چاپ کوک ویلن نوشته شده، برای استفاده بیشتر نوازندگان سازهای مضرابی و نیز تطابق ساده‌تر با نت دیگر ردیف‌های متداول، در کتاب کنونی این ردیف به راست‌کوک مضرابی که بیشتر مورد آموزش قرار می‌گیرد منتقل شده و با نگارش علائم تکنیکی و مضراب‌گذاری مخصوص تار و سه‌تار ارائه شده است. از آنجا که اکثر ردیف‌های تار و سه‌تار صرفاً سازی‌اند و فاقد شعرند و محتوای آنها در برخی آوازها ناکافی یا فاقد غنای ملودیک است، مطالعه و نواختن ردیف حاضر برای نوازندگان تار و سه‌تار مفید فایده است.

«ردیف مجلسی برای ویلن» و «ردیف مجلسی برای تار و سه‌تار» طی دو مجلد جداگانه با ویرایش و نت‌نویسی شهاب‌مینا توسط نشر خنیاگر منتشر شد.

ردیف حاضر که در صفحات دست‌نویس به‌دست‌آمده از آن «ردیف مخصوص آقای معروفی» و «ردیف مخصوص توسط آقای م. معروفی» نامیده شده ردیفی است اثر ذوق و ساخته استاد موسی معروفی. معروفی در زندگی‌نامه خودنوشت خود در سال ۱۳۳۱ ذکر می‌کند آوازها را به سبک جدید نوشته که فقط آواز دشتی آن‌را آقای مفخم‌پایان به چاپ رسانده بقیه هنوز به چاپ نرسیده است. این مجموعه ردیف مشقی نیست. همان است که در قدیم به آن «ردیف مجلسی» می‌گفتند؛ یعنی کاملاً قابل شنیدن، و دارای ارزش هنری و اجرایی به‌عنوان برنامه موسیقی است. جملات بدیع و غنی آن ساخته و پرداخته استادی خلاق و صاحب‌ذوق است که به ردیف بیانی خلاقانه و هنری بخشیده و آن‌را متعالی‌تر، متفاوت‌تر و پرجذبه‌تر از ردیف‌های مشقی پیشینان کرده است. در این ردیف مفصل ترتیب و توالی گوشه‌ها با ردیف‌های میرزا عبدالله و آقاسینقلی متفاوت است و در آن گوشه‌هایی است که در این دو ردیف به چشم نمی‌خورند و برخلاف این دو توأم با ابیات برگزیده ادب درخشان پارسی، سروده شعرای قدیم و جدید است و حضور شعر در آن به قدر یک ردیف آواز پُررنگ است.

این گنجینه هنری ارزشمند به «لطف مفخم» (لطف‌الله مفخم‌پایان) به دست ما رسیده است. مفخم این ردیف را در سال ۱۳۱۸ از نسخه اصل آن که برای چاپ کوک تار تنظیم شده بوده، یک پرده بالاتر برای چاپ کوک ویلن رونویسی و آرشه‌گذاری کرده

به مناسبت برگزاری چهارمین نمایشگاه سازخانه در خانه هنرمندان

## چند روزی با سازندگان ساز



ساخت ساز و جوانان فعال در این عرصه حضور داشتند در مورد نحوه برگزاری چهارمین دوره این نمایشگاه، وضعیت غرفه ها، مشکلات دوره های گذشته و... بحث شد و سازندگان ساز پیشنهادهای خود را ارائه دادند.

در چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» تسهیلات ویژه ای برای بانوان سازنده ساز و سازندگان ادوات ساز و پیشکسوتان در نظر گرفته شده است.

به مناسبت برپایی این نمایشگاه فرهنگی کتابچه ای شامل اطلاعات مربوط به شرکت کنندگان به انضمام اطلاعاتی عمومی در خصوص سازهای ملی و سازندگان برجسته و استادان بنام این حرفه منتشر خواهد شد.

امیدواریم در شماره بعدی فصلنامه گزارش کاملی از این رویداد برای شما خوانندگان ارائه دهیم.

فصل پاییز شروعی برای برپایی نمایشگاه «سازخانه» بود و قدم ها برای برپایی چهارمین دوره برداشته شد.

چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» به همت خانه موسیقی از ۲۵ تا ۲۹ دی ماه در خانه هنرمندان ایران برگزار می شود.

این رویداد فرهنگی که با نگاهی کاملا فرهنگی و با هدف اعتلای هنر سازسازی برپا می شود در شاخه های سازهای ایرانی، کلاسیک و ابداعی و با دارا بودن جلسات و نشست های تخصصی در حال آماده سازی است.

به این دلیل چندی پیش نشست هم اندیشی میان سازندگان ساز و مدیران خانه موسیقی برپا شد و سازندگان نظرات خود در مورد این نمایشگاه را بیان کردند.

این نشست روز سه شنبه ۱۴ آذر ماه در خانه موسیقی برگزار شد و در این جلسه که تعدادی از سازندگان پیشکسوت



بهروز مبصری

# ویولن

ویولن شاید معروف‌ترین ساز در بین تمام سازهای ارکستر غربی باشد. این ساز کوچک‌ترین عضو خانواده سازهای آرشه ای است که سازهایی چون ویولا (آلتو) و ویولن سل (چلو) و کنترباس را دربرمی گیرد. ویولن حدود سال ۱۵۵۰م با اقتباس از فیدل (کمانچه) -ربک- لیرابراچیوی قرون وسطی ابداع گردید. جزئیات تکامل این ساز کامل روشن نیست اما ویولن‌های اولیه هم دارای چهارسیم و گوشی کوک در کنار دسته و جدارهای کنگره دار و سوراخ‌های صوتی F مانند بوده و اختلاف زیادی با ویولن امروزه نداشته‌اند.

در ایتالیا از قرن ۱۶م ساختن ویولن آغاز شده و بعدها توسط استرادیواری و گوارنری به اوج شکوفایی خود رسید و در طول قرن ۱۸م نوازندگان و آهنگسازانی چون ویوالدی و تارتینی میدان وسیعی به تکنیک نواختن این ساز بخشیدند. اما در ایران با سفر پادشاهان قاجار به اروپا و دیدن تالارهای مدرن و ارکسترها و نوع زندگی تفکر تأسیس این نوع ارکسترها در ایران شکل گرفت. ورود ویولن به ایران در زمان ناصرالدین شاه پس از تأسیس شعبه موزیک دارالفنون و آمدن مستشاران خارجی برای معلمی این شعبه و آوردن سازهای جدید مانند فلوت و قره نی در ایران معمول گشت. مسیودوال فرانسوی که در اواخر عصر ناصری به ایران آمد، برای مدت دو سال به عنوان معلم موسیقی در دارالفنون مشغول به فعالیت شد. وی به عنوان قدیمی‌ترین معلم خارجی ویولن در ایران این ساز را با قواعد مخصوص آن تعلیم می داد.

به گفته حسن مشحون حسین خان هنگ آفرین قدیمی‌ترین نوازنده ایرانی ویولن بود.

اما خالقی می نویسد -تقی دانشور (اعلم السلطان) را نخستین ایرانی می داند که با ویولن آشنا شد. به هر حال این دونفر قدیمی‌ترین اساتید ویولن نواز ایرانی بودند.

اما صدای ویولن برای کمانچه نواها قدری تیز بود و چندان تمایل به نواختن ویولن با اتود جدید نداشتند.

خالقی می نویسد بسیار بودند از نوازندگان ویولن که نواختن این ساز را بنابر قواعد کمانچه نزد اساتید معروف این ساز آموخته بودند.

(حسین خان ، اسماعیل زاده) این قبیل ویولونیست‌ها غالباً سازشان دل نشین تراز نوازندگی کسانی بود که ویولن را با قواعد ویولن می نواختند.

نگارنده در سال‌های دور در مغازه سازفروشی مرحوم خاچیک ویلنی را دیدم که نصف صفحه آن پوست بود و ایشان توضیح دادند که زمانی که ویولن به ایران آمد برای آنکه نوازندگان کمانچه رو به نواختن ویولن بیاورند اینها را ساختند که صدایش بم باشد و نزدیک به صدای کمانچه باشد که کمانچه نواها راغب باشند که ویولن بنوازند.

اما نخستین سازنده ویولن ایرانی تا آنجا که اطلاعات بدست آمده نشان می دهد که سورن آراکالیان از ارامنه تبریز بوده است که در دوره اواخر پهلوی







انجام یافته است. حسین خان هنگ آفرین در این سفر ۳۱ ساله است که با ویولن خود و با آواز سیدحسین طاهرزاده به شماره کاتالوگ ۱۲۰۰۵ اولین اثر از صدای ویولن ایرانی به ضبط می‌رساند. همچنین رنگ راک را رضاقلی خان نوروزی که تنبک می‌نوازد به شماره کاتالوگ ۱۸۰۰۴-۷ به ضبط می‌رساند (که با ساز ویولن در این سری ضبط انجام یافته) تنها ضبط‌هایی است که از ساز ویولن در دوره قاجاریه انجام رسیده است، (جمعا ۴۷ اثر از ساز ویولن به ضبط رسیده است).

اما در دوره پهلوی اول، در سال ۱۳۰۶ش به وسیله حسین خان یاحقی آثاری با قمرالملوک وزیری و تاج اصفهانی و ادیب خوانساری تا سال ۱۳۱۲ش به وسیله حسین خان یاحقی به ضبط می‌رسد.

چند سال بعد استاد ابوالحسن صبا به تدوین نوشتاری و تدریس ویولن با چاپ کتب تدریس ویولن شیوه ای نوین در تدریس و اجرا با ساز ویولن را انجام می‌دهد که امروزه ملاک و مصدر... ویولن است.

در دوره فعلی با گسترش ساز ویولن و خلاقیت‌های اساتید اتوهای مختلف آموزشی شکل گرفته است که هم اکنون در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

اول شروع به ساخت ویولن می‌کند، زیرا خود نوازنده و آهنگساز بوده است - تولد ۱۲۶۶ش، فوت ۱۳۵۹ش.

در ابتدای دهه سی استاد صبا، استاد قنبری مهر را تشویق به ساخت ویولن می‌کند که در سال ۱۳۳۳ش کارگاه ساخت سازهای وزارت فرهنگ و هنر تأسیس می‌گردد و ساخت ویولن ایرانی به وسیله سازندگان ایرانی رواج پیدا می‌کند.

اما در آرشه کشیدن ویولن و کمانچه تفاوت اینجا بود که کمانچه نواها در وقت نواختن آرشه را ثابت در دست راست نگه داشته و حرکت طولی روی سیم‌ها انجام می‌دادند اما در ویولن برعکس است یعنی آرشه متحرک است و ویولن ثابت می‌ماند. البته امروزه تکنیک ویولن نوازی نیز وارد کمانچه نوازی شده است.

امروزه آرشه ویولن از اجناس مختلف صنعتی است اما ویولن نواها آرشه ای را مورد پسند قرار می‌دهند که از دم اسب باشد. نکته آنکه دم اسب نر حالت دنده ای دارد و وقتی که روی سیم‌ها قرار می‌گیرد صدادهی بهتری دارد. دم اسب ماده صاف و از صدادهی کمتری برخوردار است.

اولین صفحه گرامافون ضبط شده از صدای ویولن ایرانی مربوط به سومین دوره ضبط قاجاریه در سفر لندن است که به سال ۱۲۸۸ش ضبط شده و به وسیله حسین خان هنگ آفرین

## منابع و ماخذ:

- دایره المعارف سازهای جهان ترجمه حسن زندیاف صفحه ۲۰۸  
حسن مشحون جلد ۲ تاریخ موسیقی ایرانی صفحه ۵۸۱  
سرگذشت موسیقی ایرانی جلد ۱ صفحه ۲۵۳ روح الله خالقی

## جای خالی دوستان...



پاییز امسال یعنی سال ۱۴۰۲ مانند بسیاری از روزها و سالهای گذشته دفتر زندگی تعدادی از هنرمندان را به آخر رساند و غمی دیگر بر دل‌های ما باقی گذاشت..

### اکبر گلپایگانی (گلپا)

اکبر گلپا (اکبر گلپایگانی) خواننده پیشکسوت کشور شنبه ۱۳ آبان ماه و در سن ۹۰ سالگی درگذشت. اکبر گلپایگانی دهم بهمن ماه سال ۱۳۱۲ در تهران متولد شد. این هنرمند در سال ۱۳۱۸ بود که پس از ورود به دبستان فرهنگ به عنوان قاری قرآن مدرسه برگزیده شد و از این پس بود که به فراگیری مقدمات آواز و خوانندگی موسیقی ایرانی پرداخت.

وی در سال ۱۳۲۶ پس از تلمذ از محضر پدرش نخستین تجربه حضور در یک ارکستر و گروه کر را کسب کرد و در سال ۱۳۲۷ در انجمن موسیقی مدرسه نظام عضو شد. این هنرمند از سال ۱۳۲۸ به بعد با هنرمندان سرشناس موسیقی آشنا شد و آموزش را زیر نظر آنها آغاز کرد.

از جمله استادان اکبر گلپایگانی می‌توان به هنرمندانی همچون حسن یکرنگی، نور علی برومند، اسماعیل قهرمانی، ابوالحسن صبا، یوسف فروتن، محمد ایرانی مجرد، عبدالله دوامی، ادیب خوانساری، حسین طاهرزاده و سلیمان امیر قاسمی اشاره کرد.

این هنرمند پیشگام موسیقی ایرانی که از او به عنوان مرد حنجره طلایی موسیقی ایرانی یاد می‌شود، در سال ۱۳۳۵ به

دعوت سازمان یونسکو با همراهی نورعلی برومند و علی اصغر بهاری برای اجرای آواز و موسیقی ایرانی برنامه‌ای را اجرا می‌کند. مراسم تشییع پیکر مرحوم اکبر گلپایگانی خواننده پیشگام موسیقی ایرانی صبح روز سه‌شنبه شانزدهم آبان با حضور تعدادی از هنرمندان و علاقه‌مندان موسیقی ایرانی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) برگزار شد.

در دقایقی مانده به آغاز مراسم آثار ماندگار مرحوم اکبر گلپایگانی از بلندگوها پخش شد که شرکت‌کنندگان در برنامه آن را کنار مزار این خواننده فقید هم‌خوانی کردند. حسین خواجه‌امیری معروف به «ایرج» که از دوستان و هم‌نسلان گلپا بود، نیز در مراسم حضور پیدا کرد.

حسین خواجه امیری (ایرج)، داود گنجه‌ای، میلاد کیایی، حمیدرضا نوربخش، حمیدرضا عاطفی، بهرام حصیری، فضل‌الله توکل، بابک شهرکی، ناصر ایزدی، محمد گلریز، احسان خواجه امیری، اصغر همت، محمد اله یاری، رضا مهدوی، محمد منتشری، سالار عقیلی، محمد معتمدی و.. از جمله هنرمندانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم که اجرای آن را سید عباس سجادی بر عهده داشت، فضل‌الله توکل نوازنده پیشکسوت موسیقی ایرانی گفت: اکبر گلپایگانی هنرمند بی‌جانشینی است که به سوی عرش کبریایی پرواز کرد. او هنرمندی است که نامش در موسیقی ایران جاودان خواهد شد.

وی افزود: سال ۱۳۳۶ آقای گلپایگانی به اتفاق علی تجویدی





امثال گلپا به این موسیقی اعتبار می‌دهند و یادمان نرود که در هنر موسیقی سنت همیشه غالب و اصالت همواره روح است. روح بدون تاریخ است و به نظرم گلپا چنین شخصیتی داشت که سنت آواز را زیر و رو کرد و از نو ساخت.

پس از صحبت‌های میرعلی‌نقی، محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی نیز یکی از قطعات مرحوم گلپایگانی را برای حاضران در مراسم اجرا کرد.

حسین خواجه امیری (ایرج) هم در این مراسم ضمن عرض تسلیت به مناسبت درگذشت اکبر گلپایگانی گفت: من و اکبر جزو خوانندگانی بودیم که کارمان خوب بود. او خواننده ی بود که بسیار خوب می‌خواند و با صدای گرمی که داشت شعرهای خوبی را هم می‌خواند و من بسیار خوشحالم از دوستی با این هنرمند بزرگ.

وی در بخش پایانی صحبت‌های خود به اجرای یک قطعه آوازی پرداخت. پس از صحبت‌های وی سالار عقیلی هم به اجرای قطعه دیگری پرداخت.

گیتا گرایلی برادرزاده همسر مرحوم گلپایگانی هم به نمایندگی از خانواده این هنرمند پیشگام متنی را در تجلیل از علاقه‌مندان این خواننده قرائت کرد.

محمد گلریز خواننده و برادر مرحوم گلپایگانی هم در پایان مراسم ضمن قدرداتی از حضور پرشور مردم در مراسم تشییع پیکر برادرش توضیح داد: آقای گلپایگانی یکی از ارادتمندان مولا علی بود که من به جهت این عرض ارادت قطعاتی را با این مضمون می‌خوانم.

و مرتضی محجوبی به منزل ما آمدند، در آن زمان من ۱۵ سال داشتم و اکبر ۲۵ ساله بود. او در آن دیدار قطعه‌ای را اجرا کرد که واقعا این جذابیت برای ما پرسش ایجاد کرد که این چه صدایی است؟

توکل بیان کرد: من از آن زمان تا به امروز با اکبر گره خوردم، دوستی‌ای که ۶۶ ساله شده و آثارمان هم خوشبختانه مورد استقبال قرار گرفت. به هر حال هرچه از او حرف بزنم کم است چون او فخر موسیقی ما بود.

مصطفی راغب خواننده موسیقی پاپ هم ضمن تسلیت به مناسبت درگذشت اکبر گلپایگانی گفت: استاد قلب بزرگی داشت که دست ما جوان‌ها را بدون غرور گرفتند و من در کنار او کوهی از انسانیت و شرف را دیدم.

در ادامه مردم یکی از قطعات قدیمی «گلپا» را با راغب همخوانی کردند.

سید علیرضا میرعلی‌نقی مورخ موسیقی ایرانی هم در این مراسم گفت: مرحوم گلپایگانی هنرمند خلاق بود که شیوه خوانندگی و زندگی هنری‌اش بی‌نیاز از نام استاد بود. او فراتر از یک هنرمند بزرگ بود که می‌بینید مراسم تشییع پیکرش همانند مرحوم تختی و فردین در حال برگزاری است.

وی افزود: او یک خواننده مردمی و فنی بود که کمتر کسی را همانند او می‌شناسیم. او از ساده‌ترین طبقه اجتماعی برآمد و با عشق شدید مردم به جلال سلطانی رسید. او انسانی نیک بود که نیکوتر می‌شد. او جاودانه است و به اعتقاد من نام گلپا خودش به تنهایی اعتبار است که نیازی به هیچ لقبی ندارد. به اعتقاد من



وی یکی از اسطوره‌های موسیقی بوشهر بود که از او به عنوان یکی از مهم‌ترین راویان قدیمی و اسطوره‌های موسیقی بوشهر یاد می‌کنند. این هنرمند در نوازندگی نی انبان و نی جفتی یکی از مهم‌ترین راویان موسیقی مقامی بوشهر بود و بسیاری از پژوهشگران نامدار موسیقی کشورمان از جمله محمدتقی مسعودیه و محمدرضا درویشی از آثار این هنرمند به عنوان منابع پژوهشی استفاده‌های زیادی داشتند.

### محسن افتاده نوازنده ساز فاگوت در ۷۷ سالگی درگذشت

او عضو ارکستر سمفونیک تهران و بنیان‌گذار ارکستر مجلسی رودکی بوده‌است



### در آبان ماه عباس جلیلیان، خواننده اهل کرمانشاه درگذشت



محمدرضا جعفری بهنام عضو پیشکسوت کانون صدابرداران خانه موسیقی در ۷۶ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت.



### در آبان ماه اسماعیل (منوچهر) وجدی، نوازنده ویولن درگذشت.



### لیلی افشار، نوازنده ایرانی گیتار کلاسیک در ۶۴ سالگی درگذشت.

لیلی افشار که نخستین نوازنده زن در جهان است که درجه دکترا در نوازندگی گیتار کلاسیک را کسب کرده، بعد از تحمل یک دوره بیماری درگذشت.



### حمیدرضا شمیرانی، نوازنده و مدرس ساز فلوت، تئوری سلفژ دارفانی را وداع گفت.



### عباس فلاحی آهنگساز و نوازنده کمانچه دارفانی را وداع گفت



### نسترن هاشمی مدرس، آهنگساز موسیقی ایرانی و نوازنده سنتور در سن چهل سالگی دار فانی را وداع گفت.

نسترن هاشمی مدرس دانشگاه، آهنگساز، تنظیم کننده، نوازنده و مدرس سنتور در سن ۴۰ سالگی دار فانی را وداع گفت.



این نوازنده و آهنگساز موسیقی ایرانی علاوه بر انجام فعالیت‌های متعدد در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی مؤلف چند کتاب آموزش و آهنگساز پروژه‌های موسیقایی متعددی بود که از آن جمله می‌توان به آلبوم موسیقی «شعر زن» اشاره کرد که سال ۱۳۹۷ به خوانندگی حسین علیشاپور پیش روی مخاطبان قرار گرفت.

این هنرمند فقید طی سال‌های اخیر سرپرستی گروه موسیقی «بانگ نو» را نیز بر عهده داشت. این گروه موسیقایی طی سال‌های اخیر علاوه بر حضور مؤثر در جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در تالارهای مختلفی نیز به اجرای موسیقی ایرانی پرداخته است.

### هومن موسوی زاده از نوازندگان و مدرسان حوزه نوازندگی گیتار کلاسیک در سن ۴۴ سالگی دار فانی را وداع گفت.

هومن موسوی زاده از نوازندگان و مدرسان حوزه نوازندگی گیتار کلاسیک که طی سال‌های اخیر فعالیت‌های متعددی انجام داده بود، در سن ۴۴ سالگی دار فانی را وداع گفت.



از جمله فعالیت‌های او در این سال‌ها می‌توان به مجموعه آثار ثبت شده در کتابخانه کنسرواتوار پاریس و اخذ برد استادی افتخاری از دانشکده موسیقی دانشگاه ایالتی میشیگان به پاس فعالیت‌های ارزشمند در حوزه گیتار کلاسیک اشاره کرد. مجموعه مقالات ثبت شده پیرامون تکنیک‌های نوازندگی مدرن گیتار و همچنین فعالیت‌های تحقیقاتی پیرامون گیتار کلاسیک در دانشگاه‌های فدراتیو روسیه از دیگر فعالیت‌های این هنرمند در عرصه موسیقی محسوب می‌شد.

### «احمدعلی شرفی» پیشکسوت موسیقی جنوب ایران و نوازنده نی انبان و نی جفتی در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

«احمد علی شرفی» پیشکسوت موسیقی جنوب ایران و مهم‌ترین نوازنده سازهایی همچون نی انبان و نی جفتی در سن ۸۰ سالگی و به دلیل عارضه قلبی درگذشت.



«احمد علی شرفی» که در بوشهر متولد شد از جمله چهره‌های سرشناس و پرآوازه موسیقی جنوب ایران بود که در بسیاری از فستیوال‌های ملی و بین‌المللی حضور داشت و بارها مورد تقدیر قرار گرفت.



